

کریگاران
و زه صه تکشان
بهی گرن

ایمان گاه

کارگران
و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

بها، ۵۰ ریال

بهمن ۱۳۶۳

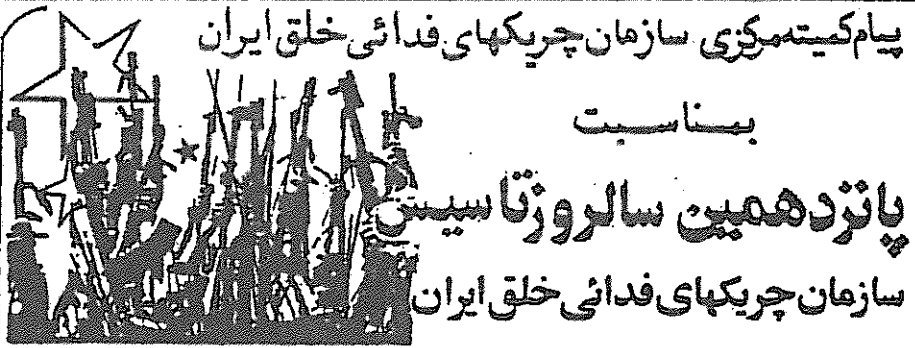
دوره جدید سال سوم - شماره ۴۶

کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Bamberg
شهرنورد

سرمه‌ها ۲

وضعیت
ناشی از درگیریهای
حزب و کومه له و ضرورت
پایان دادن به آن

با شروع مجدد درگیری بین
پیامبران حزب دمکرات کردستان
ایران و کومه له در منطقه اورامان
در روز ششم بهمن ماه، روابط دو
نیروی مذکور یکبار دیگر وارد
مرحله حاسم و جدیدی گشت.
این درگیری که هر یک بر سر
غیرمغولانه با اقدامات مشترک
فیمابین وسائل مربوط به
درگیری ۲۵ آبان ماه گذشته
پیامبران دو طرفه و این بار با
هدایت آگاهانه کومه له، امکان
بروز مجدد یافت، مناصب
در صفحه ۲



پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بناسبت

پانزدهمین سالروز تأسیس

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

و هفتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن

خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران

صفحه ۳

در باره
تکرار درگیریهای حزب دمکرات
و کومه له
واقدمات جهت جلوگیری از گسترش
آن آن
صفحه ۲

اطلاعیه های کمیته کردستان

بسی تشکیل حزب طبقه کارگر
علیه بسی حزبی

حزب کمونیست کومه له: حزب ضرورت یا ضرورت بی حزبی

زمانی که گفته می شود حزب
کومه له از این با آن مختصات مبین
طبقاتی برخوردار است و از مولفه
های سیاسی و تشکیلاتی مشخصی در
تمامی عرصه ها پیروز می کند که
سلمان تنها کمونیستی هستند
نه تنها هیچ کدام از ملزومات سیاسی و
ذهنی مبارزه کتبی طبقه کارگر
ایران را در شرایط و مرحله کنونی
رشد تشکل و آگاهی آن پاسنج
نمی گیرند، بلکه عملاً در جهت

گرامی یاد

خاطره شهدای

۲۳ بهمن ۱۳۶۱

صفحه ۲۱

تخته صیارات طبقه کارگر و
اهدای و آمال تاریخی و مشخص آن
گام بررسی دارند، مسلماً این سوال
برای هر خواننده ای طرح می گردد
بر این حزب حصول چه نیازهای
ممکن و در ادامه کدام تلاش
طبقاتی شخص در جامعه امروز
است و مارکسیسم انقلابی این حزب
حاصل جمع کدام گرایش طبقاتی
ممکن و از چه جایگاهی برخوردار
است؟
در صفحه ۹

اخبار عملیات پیشمرگان فدائی

گرامی یاد
جان باختگان حماسه
سیامسکل

گرامی داشت خاطره
رهبران شوراهای خلق ترکمن

همه مو و میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی همه یه

وضعیت ناشی از درگیریهای

از صفحه ۱

سیاست های همجنسی طرفین در برخورد به اختلافات خود زمینه را برای درگیریهای هر چه بیشتر و گسترده تر هموار نموده و به این درگیریها ابعاد مراسری داده است.

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که در فقدان یک راه حل اصولی، رابطه بین دو نیرو به یک بن بست ناگزیر رسیده است و آخرین فرصت های دستیابی به یک راه حل سیاسی برای جلوگیری از درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و گسترش ابعاد آن ها، در حال سپری شدن است.

وضعیتی که امروز و در نتیجه گسترش درگیریهای حزب دمکرات و کومه له بر جنبش انقلابی خلق کرد حاکم گردیده است، یعنی وضعیت جنگی حاصل از برخورد های این دو نیرو، یعنی سیاست مبارزاتی جنبش را کاملاً به مخاطره افکنده و انرژی بخش مهمی از نیروی فعال آن را صرف آرایش نظامی مقابل نموده است. صلح است که ادامه چنین وضعیتی یعنی جنبش انقلابی خلق کرد را با زبان های جبران ناپذیری رو برو خواهد ساخت. برخوردی و انفعال را در درون آن دامن خواهد زد. قربانیان هر چه بیشتری را در کام خود فرو خواهد بلعید، هرج و مرج و ترور و بخت را در ابعاد گسترده و غیرقابل کنترلی دامن خواهد زد. از تمرکز نیرو در جبهه دشمن خواهد گشت (۱)، جو دمکراتیک حاکم بر جنبش انقلابی

خلق کرد و اهداف اساسی آنرا لگنمال خواهد کرد و خود به زمینه ای برای نفسی دستاوردهای آن از سوی این یا آن نیرو تبدیل خواهد گشت.

آنچه که به نقش و سرخورد حزب و کومه له بر صحنه جدا از برخورد هائی که هر کدام از طرفین در موارد شخص داشته اند، باید گفت صیقلیت اداه وضعیت جنگی فعلی و تصایع عواقب زیانبار آن به گردن آن نیروی است که از ارائه هر گونه راه حل سیاسی و حتی پذیرش آن امتناع ورزیده و بر موضع خود یعنی بر حفظ وضعیت بحرانی کنونی با توکل به هر بهانه ای اصرار می ورزد و حتی به توجیه بسیاری از برخوردهای غیر دمکراتیک بر سطح جنبش انقلابی خلق کرد نیز در گذشته اتفاق افتاده اند و کاملاً محکوم و مطرود هستند. دست می یازد. باید به این واقعیت انسان داشت که جنبش انقلابی خلق کرد، امروز پیش از آن رشد کرده است، پیش از آن رادیکالیسم انقلابی و سطح شعور و فهم سیاسی برخوردار است که در درون صفوف آن جنبش سیاست هائی بتواند زمینه مانور پیدا کند. سیاست هائی از این قبیل که ضایع خود را نه در رشد و شکوفائی و انکشاف درونی جنبش، بلکه در محدود و محصور ساختن دامن اهداف، اصال و هزلکردن آن جستجو می نمایند، مسلماً در حفظ وضعیت کنونی اهداف مبنی را دنبال می کنند و در تلاش بهره گیری از موقعیت

بدست آمده برای پیشبرد اهداف محدود و کسبه بینانسه خود هستند. اما نه تنها جنبش انقلابی خلق کرد در کلیت خود، بلکه توده های زحمتکش خلق کرد نیز امروز از چنان درک و رشد و آگاهی برخوردار هستند که امیر این یا آن سیاست ضایع را صبر و روبه رشد جنبش نگشته و با استواری و پایداری انقلابی خود که در طول بیش از پنج سال گذشته بر تعاضی عرصه ها آن را به نمایش گذاشته اند به دفاع از دستاوردهای مبارزات خونین و قهرمانانه خود برخیزند. و آن سیاستی را که در صدد یامال و محور تاپود کردن این دستاوردها به هر توجیه و از هر طریقی که باشد، محکوم و مطرود نمایند. نباید فراموش کرد که قدرت واقعی جنبش کنونی در واقع امر توده های زحمتکش خلق کرد و ایمان خلل ناپذیر آنها به پیروزی اهداف خیرات و هر نبرشی تا آنجا از این قدرت نصیب خواهد بود که به این اهداف وفادار بوده و در جهت ضایع جنبش انقلابی توده ها گام بردارد. اعتماد توده ای حصول شایستگی بر باره و پیشبرد هدفمند آن است. زمانی که هدفمندی این یا آن سیاست جهت ضایع خواست توده ها را دنبال نکرده بلکه برعکس در مقابل رشد و گسترش آنی آن نیز قرار گیرد، نه تنها ارزش مبارزاتی خود را در میان توده ها از دست خواهد داد، بلکه خود به ضد ارزش نیز تبدیل خواهد گشت. و به سرنوشتم انگیزی گرفتار خواهد شد.

ضرورت پاسخگویی به نیازهای مبنی و ملی جنبش در صفحه ۲۷

(۱) نگاهی به جدول عملیات یک ماهه پیشمرگان خلق کرد در همین شماره، رنگی گدل به خوبی این واقعیت را آشکار می سازد که تا چه اندازه از صحت عملیات پیشمرگان کاسته شده است و چگونه وضعیت ناشی از روابط دو نیرو تاثیرات زیانبار خود را در قدرت تهاجمی پیشمرگان خلق کرد برجای گذاشته است. و یک مقایسه ساده بین جدول این ماه و ماههای قبل و ویژه قبل از درگیری ابعاد این ساله را بیشتر روشن خواهد نمود. ضلایع برای مقایسه، بین همین ماه و آبان ماه را در نظر می گیریم.

از ۲۷ مهرماه تا ۲۷ آبان ماه حدود ۲۶۲ عملیات اعم از کیمین و کنترل جاده و صین گذاری، خلق سلاح پایگاه و غیره صورت گرفته است که طی آن ۸۹۵ تن از مزدوران رژیم کشته و مجروح گشته اند و شهیدای پیشمرگه در طول این یک ماه تنها ۲۸ نفر بوده است. در صورتی که از ۲۷ دی ماه تا ۲۷ بهمن ماه فقط ۱۱۵ عملیات صورت گرفته که طی آنها ۳۸ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده اند و در عرض بیش از ۶۰ نفر از پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در طول چند روز اول درگیری مشاهدات رسیده اند و هنوز که هنوز است، سیر صعودی آثار این شهدا چه به دلیل درگیری دو طرفه و چه به دلیل عدم شناسائی از سوی خود پیشمرگان دو طرف ادامه دارد.

پیام کمیته مرکزی

کارگران و زحمتکشان ایران!
 نوزدهم بهمن ماه سالروز عمامه صاهل، روز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن سالروز قیام ظلم و شکوهید بهمن ۵۷، روزی که توده های مردم با قیام صلحانه خود رژیم ساططی را در ایران بگور سپردند. بهمنون دو روز بزرگ و فراخ نشدنی در تاریخچه مبارزاتی توده های زحمتکش مردم ایران فرا رسیده است.

ما اصلا در شرایطی به استقبال این دو روز بزرگ و تاریخی میفتابیم که جامعه چهار دیگه با سرعت به سوی یک رشته تحولات عظیم سیاسی و درگرونیهای بنیان کن انقلابی پیش می تازد. صارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار و رژیم جمهوری اسلامی بلارفته رشد و گسترش می یابد. جنبش توده ای بیروسته در حال اغتلاست، بر عصب و ژرفای بحران اقتصادی و سیاسی افزوده می شود و رژیم جمهوری اسلامی پس از شش سال حاکمیتی اقتصادی و سیاسی بر توده ها به سوی اغتلاال و فتراتی قطعی پیش می رود.

تمام شواهد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی موجود چشم انداز این تحولات سیاسی را آشکار می سازد. تشدید بحران اقتصادی در کلیه عرصه های صنعتی، مالی، بازرگانی و کشاورزی با وضوح دیده می شود. در بخش صنایع رگوزن مزین همچنان با برجااست. و بنابر دلائل مالی، تکنیکی و سیاسی هیچ چشم انداز رونق و بهبودی در این خیطه فعالیت اقتصادی دیده نمی شود. وضعیت مالی رژیم به شدت رو به وخامت گذاشته است. خزانه دولت کالاهای تهی است، کسری عظیم بودجه دولت

از سرز. و بسیار نوان گذشته است. درآمدهای دولت از نفت به علت کاهش مداوم قیمت نفت در بازار جهانی در حال تقلیل یافتن است و دولت مداوماً اسلکار بدون پشتوانه جتزر می کند. در کشاورزی نیز به تبعیت از بحران صنعتی و مالی و سیاستهای ارتجالی حاکمیت، عدم تأمین باحیاج مالی و قفسی دهقانان و فشارهای ضد دی که از سوی دولت نسبت به دهقانان افصال می شود، اوضاع بیوسته و غیم تر شده است. تمامی پاراین بحران همه جانبه اقتصادی و فشارهای ناشی از آن بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است. استثمار کارگران به نحو کم سابقه ای تشدید شده است. دستمزدها آنچنان ناچیز است که حتی گفای تأمین حداقل معیشت کارگران را نمی کنند. شرایط زندگی طبقه کارگر ایران به سطح بسیار ناآرزی تنزل نموده است. بخش عظیمی از کارگران بیکار و در فقر و صکت هولناکی بسر می برند. کسود باحیاج عسوی، تورم انفار گسیخته و افزایش بی دری قیمت کالاها، انواع و اقسام تحمیلات نظیر افزایش مالیاتها و باج گیری های ضد دی دولتی، چنان غمیسی را پدید آورده است که مجموع توده های مردم در معرض شدید ترین فشارهای اقتصادی و مادی قرار گرفته اند. این روند بحران اقتصادی ضربه تشدید تقارها و رشد و اغتلاال مبارزات توده های مردم گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که اساساً با مدار ضایع صراطیه داران و زمینداران است، جز تشدید و خات افزایش اقتصادی، انتقال هرچه بیشتر بار بحران بر دوش زحمتکشان و وابستگی روز افزون اقتصادی به اسرائیلیم کساری

نکسوده است. انعقاد قرار داد های بی دری چند صاه اخیر با دولتهای اسرائیلیت و انحصارات بین الصللی برای صدور صراطیه به ایران، تمهیلات و انکاناتی که در اختیار صراطیه داران بخش خصوصی قرار گرفته است، خود گهائین دلیل برای تشدید وابستگی روز افزون اقتصادی به اسرائیلیسم و استثمار قسارت و چهارل کارگران و زحمتکشان ایران بدست صراطیه داران ایرانی و بین الطلی است. رژیم بتظور انتقال بار بحران به دوش توده ها و بحران افلاسی و ورشکستگی خود در تلاش است که با زهم بر همزاد مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم که پرداخت کنندگان اصلی آن بر طبق امتداد مدارک دولتی، کارگران، دهقانان، خرده تولید کنندگان فقیرنند بیافزاید. بر طبق ارقام بودجه اصلا، دولت هزینه های خدمات درمانی، بهداشتی، آموزشی و بطور کلی خدمات عسوی را هرچه بیشتر بر دوش توده ها قرار داده است و مقرب بهای بلیط اتومبیل، برق، آب، نفت و بنزین نیز افزایش میابد.

جموعه این سیاست های اقتصادی رژیم مداوماً بسر و خات اوضاع افزوده است و شرایط زندگی توده های مردم را بیوسته دشوارتر نموده است. فصل این سیاست اقتصادی توکل رژیم به دیکاتوری مهربان و همان گسیخته ترکیب و اختناق و صلب ابتدائی - ترین حقوق توده های مردم بوده است. رژیم برای مقابله با رشد فزاینده صارزه کارگران و زحمتکشان ایران هرگونه آزادی سیاسی را نقیص نموده، دهها هزار تن از نیروهای انقلابی را به جوبه های اقدام صیرده و دهها هزار تن را در صیاهالهای قرون وسطائی خود به بند کشیده است.

ادامه این سیاست داخلی، در صورت سیاست خارجی به شکل ادامه جنگ ارتجاعی تپلسور یافته است که طی چهار سال چنان ضحاکت و بدبختی هائمی برای مردم ایران به بار آورده است که هرگز سابقه نداشته است. چه کسی است که از ابعاد حیرت آور کشته شدگان و معلولین جنگ بی اطلاع باشد؟ چه کسی است که به شرایط رقت بار زندگی میلیونها آواره جنگی آگاهی نداشته باشد؟ و کدام کارگر و چرخکنی است که بار عظیم و سنگین این جنگ را بر دوش خود احساس نکند؟

تصای این سیاستهای داخلی و خارجی رژیم ضربه تشدید کننده ها و رشد روز افزون صادرات و انتزاعات کارگران و زحمتکشان ایران شده است. توده های مردم دیگر قادر نیستند این همه فشار را تحمل کنند. عموماً کارخانه ها، کارگران مبارزه مداوم و مستمری را طلب کرده اند، مواج انتزاعات بر صورت در حال گسترش است. تشدید بحران اقتصادی، تشدید بحران سیاسی را بر روی خود داشته است. رشد بحران سیاسی تقادها و اختلافات درونی رژیم را مداوم تشدید کرده است. اکنون ابعاد بحران اقتصادی و سیاسی حاکم به مرحله ای رسیده است که رژیم با وضعیت کنونی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد هیچ چشم اندازی برای بقا آن تصور نیست و سرنگونی آن قطعی است.

با گسترش دامنه بحران سیاسی و رشد و افشای مداوم مبارزه توده ای اکنون بیش از پیش مخالفین رژیم یا دو بر نامه و سیاست اساساً متفاوت در برابر رژیم قرار گرفته و از توده های مردمی که جانشان از ستمگرهای متعدد رژیم جمهوری اسلامی به لب رسیده است، می خواهند که به آنها اقتضای کنند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان ایران باید شناخت دقیق از گروه بندیهای سیاسی موجود، مواضع و ماهیت آنها داشته باشند، تا این بار که به تقاسمی مجدد بر می خیزند، به سرنوشته گذشته دچار نشوند. این گروه بندیها را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

گروه بندی سلطنت طلبان،

که مواضع وابستگی و سیاستهای ارتجاعی آنان بر هیچکس پنهان نیست. اینان که دشمن سرکشیده - خورده توده های زحمتکش مردم ایرانند و طی سالها ستمگری و ماهیت رسوای خود را کاملاً آشکار نموده اند، مدافعین ضایع سرمایه داران و زمین داران و صواغ کاملاً شناخته شده امپریالیسم در ایران محسوب می شوند. اینان امروزه در تلاشند که جانی بر میان مردم برای خود باز کنند، اما رسوائی آنها بیش از آن است که توده های مردم نسبت به آنها توجهمی

با بحرانی تر شدن روز افزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکاء به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون های ضد انقلابی بیرون احکامیت و تعدیل در حکومت مذهبی و بند و بست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی گردند.

داشته باشند. کارگران و زحمتکشان ایران این دارو دهنده ضد انقلابی را به خوبی می شناسند و هیچگونه توجهمی نسبت به آنها ندارند.

شورای ملی مقاومت در سر - گیرنده گروهها و سازمانهای است که در شورای ملی مقاومت متشکل شده اند. اینان هر چند سعی می کنند که خود را طرفدار توده مردم و خواستهای آنها جا بزنند، اما نه تنها در اساس خواهان هیچگونه تحول انقلابی در وضعیت موجود ایران نیستند، بلکه خواستار حفظ نظم ستمگرانه

شورای ملی مقاومت مدافع ضایع طبقه سرمایه دار است و ستمگراسی واقعی مخالف است و عموماً توده های مردم ایران را باید هرگونه توجهم و اعتمادی را نسبت به آن از دست بدهند.

موجود، حفظ و بقا دستگاه بوروکراتیک نظامی و به اصطلاح امپریالیسم در ایرانند. مخالفت اینان با رژیم جمهوری اسلامی مخالفتشان با شخص خاصی است و نه رژیم جمهوری اسلامی. چرا که اینان نیز خواستار یک حکومت مذهبی در ایران بنام جمهوری اسلامی هستند و جده های آزاد بخوانند آنها یک فریب و دروغ بیش نیست. کارگران و زحمتکشان ایران پس از تحمل آن همه هائیب و بدبختی هائی که حکومت مذهبی موجود به بار

آورده است مطمئناً نتکه برقراری یک حکمت ارتجاعی مذهبی دیگر را در ایران تحمل نخواهند کرد. شورای ملی مقاومت ضایع ضایع طبقه سرمایه دار است، با ستمگراسی واقعی مخالف است و عموماً توده های مردم ایران را باید هرگونه توجهم و اعتمادی را نسبت به آن از دست بدهند.

گروه بندی دیگری که اخیراً در حال شکل گیری است در میان یک جناح از دار و دسته های ضد انقلابی در درون احکامیت و بیرون از آن است. با بحرانی تر شدن

روز افزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکاء به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون های ضد انقلابی بیرون احکامیت و تعدیل در حکومت مذهبی و بند و بست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی گردند.

روز افزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکاء به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون های ضد انقلابی بیرون احکامیت و تعدیل در حکومت مذهبی و بند و بست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی گردند. توده ها و ستمگراسی یک حکومت انقلابی گردند. نامه نگاریهای اخیر مرتجعینی امثال بنی صدر و مدنی به رفیقان و خویشی که استحال با اصطلاح لیبرالیستی حاکمیت را می بینند، خود نشان دهنده چگونگی شکل گیری این گروه بندی در میان بخشهایی از سرچمین درون احکامیت و بیرون از آن است. اختلافاتی که اخیراً در درون شورای ملی مقاومت بروز کرده است و ضربه بیرون، رفتن بنی صدر و تعدادی دیگر از شورای ملی مقاومت گردید و نیز تحلیله حزب ستمگراسی که در ستانی به مداره با رژیم تماماً بازگشته اند، این تحولات در صف بندی های سیاسی موجود است. اما بحرانی که رژیم با آن روبروست عظیم تر از آنست که اینان بتوانند از سرنگونی قطعی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری کنند. اوضاع بحرانی موجود و تحقق خواستهای انقلابی توده ها، یک سرنگونی بنیادی و انقلابی را در جامعه می طلبد و یگانگی

راه حل که بیاید توده های مردم را از زوربار تمام مسم های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود نجات دهد راه حل انقلابی - دگرگونی مائل از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، استقرار یک قدرت توده ای، بوجهی شدن هر آنچه که کند ازجمله است، دگرگونی بنیادی در جامعه، و انجام اقدامات فوری به نفع کارگران و عمو توده های زحمتکش است. تنها این راه حل قادر است توده های مردم را از شر تمام ضایعات موجود نجات دهد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع منافع طبقه کارگر ایران و از موضع این طبقه مدافع ضایعات مسم توده های زحمتکش و مستعبد شده است و هدف نهایی خود را سرنگونی امپریالیسم ایجاد جامعه ای رها از هرگونه مسم و استثمار قرار داده است تنها چیرانی است که علیه تمام چیرانیات ارتجاعی و تمام اپوزیسیون چریکهای فدائی و برنامهای آنها بیباک خاسته و در مرحله کنونی انقلاب پیگیرانه خواستار تحولات بنیادی و انقلابی و اجرای فوری برنامه حداقل طبقه کارگر ایران است. شش سال تجربه پراز قیام به کارگران و زحمتکشان ایران نشان داده است مردم که قدرت سیاسی در دست سرمایه داران قرار داشته باشد هیچک از

طبقه کارگر ایران هستیم دیگر زمان آن رسیده است که کارگران و زحمتکشان ایران با بی اعتمادی ملل نسبت به تمام مخالفان بورژوازی رژیم با هر شکل و نحایل زهر انسانی که دارند، لطمه از سلطنت طلبی، و رای طوسی مقاومت و هر دار و نرسد، بورژوازی دیگر بر برنامه و اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جامعه را به آستانه فلاکت و توده ها را به فقر و صحرای مطلق سوق داده است به یک قیام مجدد برخیزند. سازمان ما طی ۱۴ سال مبارزه پیگیرانه و مصداق خود در دفاع از ضایعات طبقه کارگر و دشمنی با تمامی مترجمین و سازشکاران، از سیهلک روزی که صفر کوله فدائیان خلق در سال ۱۳۴۹ حکوت را در جنبه آرملش رژیم شاه سرهم شکست و رفته بر اندام تمام مترجمین انداخت تا به امروز، و نیز اثبات صحت و حقانیت گفتار و کردار ما از قیام تا به امروز، طبقه کارگر جمهوری اسلامی و تمامی خائنین و فرسوت طلبان و سازشکاران این شایستگی را کسب نموده است که از لشکر طبقه کارگر و مسم زحمتکشان استثمار شده و مستعبد ایران برخوردار باشد، بر این بنیاد است که ما اعلام می کنیم:

اکنون زمان آن فرا رسیده است که طبقه کارگر ایران در

جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، دگرگونی آزادی، صلح، رفاه اجتماعی و برسر اقتصاد طبقه امپریالیسم صبر

● اکنون زمان آن فرا رسیده است که طبقه کارگر ایران در پیشاپیش مسم توده های زحمتکش ایران و در اتحاد با دهقانان و زحمتکشان شهری رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند، قدرت سیاسی را قبضه نماید و به تمام وضعیت فلاکت بار موجود پایان بخشد، این تنها راهی است که در برابر تمام توده های مردم ایران قرار گرفته است.

نیت. جز تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برخاستن به قیام صلحانه علیه آن، راهی برای نجات توده های مردم باقی نمانده است.

سرنگین باد رژیم جمهوری اسلامی! سرقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق! نابود باد

امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن

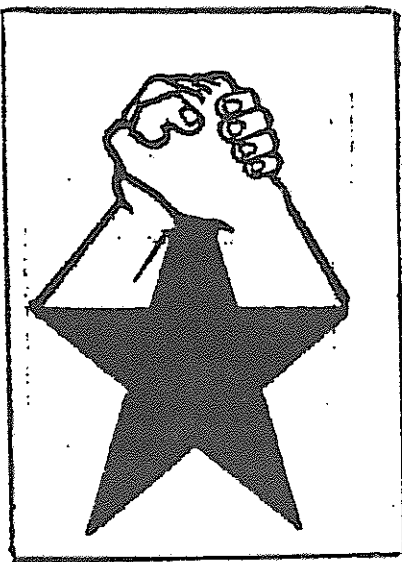
زنده باد صوبالیسم! کشته سرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هیچدم پهن مساه یکپزار و سید و شصت و سه

● با گسترش دانه بحران سیاسی و رشد و اعتلاء مداوم مبارزه توده ای اکنون بیش از پیش مخالفین رژیم با دو برنامه و سیاست اساسی متفاوت در برابر رژیم قرار گرفته و از توده های مردمی که جانان از دستگیری مسم رژیم جمهوری اسلامی به لب رسیده است می خواهند که به آنها اعتماد کنند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان ایران باید شناخت دقیقتری از گروهبندهای موجود صلح و ماهیت آنها داشته باشند تا این بار که به قیام مجدد برسی عزیزند به سرخشت گذشته دچار نشوند.

پشاپش مسم توده های زحمتکش ایران و در اتحاد با دهقانان و زحمتکشان شهری رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند، قدرت سیاسی را قبضه نماید و به تمام وضعیت فلاکت بار موجود پایان بخشد، این تنها راهی است که در برابر تمام توده های مردم ایران قرار گرفته است.

خواسته های توده های مردم تحلیقی نخواهد یافت. ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، استقرار فوری حکومت کارگران و دهقانان، سرقراری یک دگرگونی سیاسی - دگرگونی کردن اقتصاد جامعه به نفع توده های مردم، اجرای درخواستهای فوری رفاه سیاسی توده ها و برانداختن ملطسه امپریالیسم به عنوان اهداف فوری

بدین سرنگونی رژیم



اطلاعه کیهان کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره تکرار درگیریهای حزب دمکرات و کمونیست

خلق تهران کرد!
پیشمرگان دلیر روزمزد: کردستان!
خلقیهای سراسر ایران!
سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات ایران و جهان!

علیرغم اقدامات مشترک دوتیرو سیاست حاکم بر نیروهای هر دو طرف در منطقه نه تنها در جهت جلوگیری از هرگونه درگیری بلکه دقیقاً در جهت دامن زدن به آن در ابعاد بسیار فراتر از درگیری قلمی بوده است. آنها قبل از همه متکرمندی علیه هم و آرایش نیرو در مقابل یکدیگر را به سیاست اصلی خود در منطقه صدل ساخته و در مجموع جو شکنج را در اورامان بوجود آورده بودند. تنها عاملی که از اشتعال مجدد درگیری جلوگیری می نمود، بدون تردید کورسوی اقدامات مشترک طرفین بود که بلافاصله بعد از اعلام رسمی بن بست اینگونه اقدامات عظیم و بی نتیجه، شعله های درگیری مجدداً منتهل گشت.

اقدامات مشترک حزب دمکرات و کومه له از لحاظ تشکیل یک کمیسیون مشترکی بود که از همان آغاز نیز محکوم به شکست قطعی بود. حزب دمکرات و کومه له برای اولین بار نبود که بعد از هر درگیری به تشکیل چنین کمیسیونهای دست می زدند. کمیسیونهای بی هویت و بی اراده ای که هیچگونه التزام اجرائی نداشتند و بنا به خواست طرفین نمی توانست هم داشته باشد. همانطور که در گزارش هیات اعزازی شاخه کردستان به اورامان نیز آمده است وضعیت کار این کمیسیون در منطقه و بازگشت بی نتیجه آن از اورامان، بهترین دلیل بن بست قطعی آن بود. حزب دمکرات و کومه له بخوبی آشکار ساختند که علیرغم کردن نهادن به کمیسیون مشترک خود در این صورت مشخص نیز با توقف کامل به بی ثمر بودن اقدامات این کمیسیون در طول این مدت هر کدام به نحوی و با استفاده از دقایق وقت کار کمیسیون به آرایش قوای درونی خود پرداختند. چگونگی برخورد آنها به صالته تشکیل یک کمیسیون مشترک واقعی و عدم التزام هر دو نیرو به آن این بار نیز آشکار ساخت که آنها در شرایط کنونی تنها راه حل نظامی را برای حل اختلافات خود برگزیدند. روش و شیوه های برخوردی که از هیچ منطبق صحنی جز متضیق گلوله برخوردار نیست.

هیات اعزازی ما در نتیجه گیری گزارش خود اعلام کرده بود:

اگر قرار باشد کمیونی متشکل از نیروهای انقلابی تشکیل گردد باید همین امروز به تشکیل آن اقدام کرد، چرا که فردا بسیار دیر خواهد بود. تأیید هیات بر آن بود که چنین کمیونیسی می باید با قیید التزام طرفین، صائل مربوط به درگیری ۲۵ آبان ماه را ریشه یابی و حل نماید و در عین حال صیارتاً و اصول شخصی را جهت تنظیم روابط این دوتیرو در آینده تثبیت نماید.

درست همانگونه که هیات اعزازی کیهان کردستان پیش بینی کرده بود می باید گفت امروز با توجه به آرمه و تجدید این درگیریها بسیار دیر شده است. سیاستهای غلط و سرخورد های غیر مسئولانه طرفین تسایح زمان بیشتر خواهد بود یا بسیار دیر خواهد شد.

طبق آخرین خبر منتشره اینکه یکبار دیگر درگیری مابین پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در منطقه اورامان با ابعاد خنثین تر از پیش مجدداً آغاز گردیده و بر اساس همین اخبار در اولین صلفات درگیری تعدادی از پیشمرگان طرفین را در کام خود فرو بلعیده است. با توجه به سیاستهای این دوتیرو بدون دخالت مسئولان نیروهای انقلابی به تبدیل عتقرب آن به یک درگیری گسترده و سراسری بین دوتیرو صذکور قطعی است. بدون تردید علاوه بر قربانی کردن تعداد روز افزونی از پیشمرگان هر دو طرف یعنی پیشمرگانی که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی سلاح بدست گرفته اند، ضربات مهلکی را نیز بر یکدیگر جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد وارد خواهد ساخت. امری که دوتیرو فوق اینک در عمل بی توجهی و عدم التزام خود به آن را به اثبات رسانیده اند. آنها با بی اعتنائی به ضایع جنبش انقلابی خلق کرد و سرآز زدن از هرگونه راه حل اصولی و عملی تن به جریان خود بخودی صوادت سپرده و امکان درگیری مجدد در همان منطقه قلمی را فراهم آورده اند. در حقیقت می توان گفت آنها در فاصله دو درگیری اخیر نه برای پایان دادن به هرگونه درگیری نظامی، بلکه برای شعله و ر ساختن مجدد آن تلاش کرده اند.

همانگونه که تحقیقات هیات اعزازی سازمان ما به اورامان آشکار می سازد، صائل مابین این دوتیرو گساکان همان صائل بوده و هستند که قبلاً نیز بارها و هر از چند گاه یکبار حزب دمکرات و کومه له بر سر آنها به کشت و کشتارهای نیروهای همدیگر دست یازیده اند. ضمن ناط این گزارش جهت اطلاع عموم از ریشه های علل و چگونگی درگیری ۲۵ آبان ماه حزب دمکرات و کومه له در رشتای که ل شماره ۲۵ به چاپ رسیده است. ضمن این گزارش آشکار می سازد که این دوتیرو برای حل اختلافات خود در سطح منطقه بالاخره نه تنها سیاستی اصولی و درستی را در پیش نگرفته اند، بلکه اصولاً سیاستی برای مهار آن نداشتند. و بر ابعاد آن نیز هر لحظه بیشتر از پیش افزوده اند. این گزارش حاکی است که حزب دمکرات و کومه له در طول چند ماه حضور مشترک در منطقه اورامان، بارها در انتظار توده های زحمتکش منطقه به روی یکدیگر سلاح کشیده، متکرر گری کرده و در نهایت بدون آنکه هیچکدام از طرفین در جهت حل اصولی اختلافات خود حرکت کرده باشند، این برخورد را در مسیر خود بخودی شان، به درگیری ۲۵ آبان ماه منتسب گشته است و در جریان خود به قسارتبانی از قبیل اقدام اسرا و صوزاندن اجساد شهدا صضر کرده است. و همانطور که گزارش هیات به روشنی بر آن صحه گذاشته است بعد از درگیری ۲۵ آبانماه نیز

و نظرات آنسریتی از نیروهای انقلابی موجود
کوردستان شومند.

بیسروزیاد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد!
هرچه مستحکم تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی!
نابود باد تفرقه و تشتت در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد!

کمیته کوردستان سازمان جریکهای
فدائی خلقی ایران
۲ بهمن ماه ۱۳۶۳

جدیداً* در همان نقطه آغاز گشته بر سر
اقدامات عاجل بر سر دور ساختن راه گسترش آن،
بطور قطع ابعاد آن تنها ضمیمه اورامان
نخواهد بود و با گسترش پورسه و گور خود و ضمیمه
خطیر و را در جنبش انقلابی خلق کرد بجهت
خواهد آورد.

آنچه مسلم است درگیری میدر اورامان خود
قدیمه درگیریهای سیاسی در آینده است که
جنبش انقلابی خلق کرد را با خسران جبران -
نابندبری روبرو خواهد ساخت.

کارگران و زمینکنان نیروهای انقلابی و دمکرات!

در شرایطی که حزب دمکرات و کومه له هیچ
برخوردر مسئولانه ای به مسائل جنبش نمی کنند و
به هیچ گونه راه حل سیاسی مسائل مورد اختلاف
خودگردن نمی نهند تنها راه جلوگیری از تشدید
وضعیت وخیم روابط دو نیرو، دیگر نمودن راه حل
مبتنی بر صالح و مضایف جنبش به هر دو اینها و
مقابله قاطعانه با سیاست جاکم بر روابط آن دو و
جلوگیری از هرگونه گسترش آنسی درگیریهای لجامت.
بدون شک باید گفت کلید حل مسائل آینده در
برخوردر جدی با مسائل امروز است. حزب دمکرات
و کومه له باید سرما* و بدین دفع الوقت درگیری
میدر خود بر اورامان را قطع نمودند از هرگونه
گسترش آن آگاهانه جلوگیری به عمل آورند. برای
حل مسائل مربوط به هر دو درگیری اورامان به
حکمت و کنترل و نظارت اکثریت نیروهای انقلابی
مسجد در کوردستان گردن گذاشته و انتظام به
اجرای تصمیمات اکثریتی از نیروهای انقلابی را
اعلام نمایند.

کارگران و زمینکنان انقلابی کوردستان!
بشمیرگان قهرمان خلق کرد!

برای دفاع از آرمانهایی که بیش از بیست سال
بخطیر دست یازید به آنها سازنده کرده و در زیر
سایه شوم روز جمهوری اسلامی به مقابل با
سیاستهای اوتجاعی آن در کوردستان برداشته و
کوردستان را به عرصه سازات حماسی خود تبدیل
ساخته اید در شرایط خطیر کنونی نیز به مقابل با
هرگونه سیاست مبتنی بر جنگ آفرینی در درون این
جنبش برخوردار و راه حل صحیح و اصولی اختلافات
فیصابتی را به حزب دمکرات و کومه له در هر کجا و
در هر موقعیتی که هستند تحمک نمائید. و امیر
سیاستهای غلط حزب دمکرات و کومه له در دامن
زدن به درگیریهای قهرآمیز کنونی نشوند و از
تبدیل شدن به سیله ای برای اقدام جویهای
قهر سیاسی و فتره گرایانه جدا نه اجتناب ورزید.

خلق قهرمان کرد!
بشمیرگان سازز کوردستان!

آزاده قدرتمند خود را به سدی در مقابل
ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف جنبش انقلابی
کنونی تبدیل سازید و خواستار حل اختلافات دو
نیرو و قطع ضروری درگیری کنونی و رسیدگی به
مسائل مربوط به درگیریهای اخیر حزب و کومه له
در اورامان از طریق گردن نهادن آنها به یک
راه حل اساسی یعنی التزام به حکمت و کنترل

دومین اطلاعیه

در باره اقدامات جهت جلوگیری

از گسترش درگیریهای اخیر اورامان

خلق رزنده کورد!

بشمیرگان قهرمان کوردستان!

خلقهای سراسر ایران!

سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات!

بدین حال درگیری اخیر در اورامانات بیسمن
بشمیرگان حزب دمکرات و کومه له، ما طی اطلاعیه ای
ضرورت جلوگیری از گسترش آنسی را به عنوان یک
وظیفه عاجل برای تمامی نیروهای انقلابی
شدن کرده و خواهان ارائه یک راه حل عملی عاجل و
شفاف برای حل سیاسی اختلافات فیصابتی دو نیرو
در شرایط حاضر شدیم. بدین حال این اطلاعیه طی
نامه ای از طرفین دعوت به عمل آوردیم و ضرورت قطع
تسوی این درگیریها و جلوگیری از گسترش آنسی آنها
را شدت بخشیم و خواهان برگزاری یک جلسه
مشترک برای رسیدن به یک راه حل عملی و شفافی
عاجل شدیم. و زمان شفافی را برای تشکیل
یک جلسه مشترک اعلام نمودیم.

این جلسه در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۳ برگزار
گردید، لیکن دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان
در این جلسه حضور نیافت و نامه ما را بی اهمیت
گذاشت اما کمیته مرکزی کومه له با افراد نمایندگان
خود به این نشست در همان روز آمدند و جلسه را
برای حل مسائل از طریق سیاسی اعلام داشتند
صا بر اساس این اساس کمیته که خود را مسئول
مسئول دانستیم که یکبار دیگر به دفتر سیاسی حزب
دمکرات کوردستان ایران ضرورت رسیدگی به یک
راه حل را شدت بخشیم و از نمایندگان آن بصورت
بمصل آوریم که طی یک جلسه مشترک نقطه نظرات
خود را در این زمینه اعلام نمایند. که دفتر
سیاسی حزب دمکرات در جواب نامه خود به بهمن
ماه ۱۳۶۳ نامه نماینده اعلام داشت که در همین
در اورامانات کاملاً به پایان رسیده و چسبیدن
موردی برای بحث با کومه له ندارد ضرورتی برای
نشست مشترک نمی بینند.

ما معتقدیم که حزب دمکرات با این صواب
در حقیقت ضرورت رسیدن به راه حل جلوگیری از
تفرقه

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای متوقی و انقلابی

پیشمرگان فدائیی طی عملیاتی پایگاه گانی بی رادهم گویدند!

حمایت نموده های زحمتکشان از پیشمرگان خلق کرد و تلاشهای مذبحخانه مزدوران رژیم!

طی این عملیات خسارات جانی و مالی زیادی به مزدوران رژیم وارد آمد لیکن از تلفات دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

پس از انجام موفقیت آمیز این عملیات پیشمرگان فدائیی سالم به محل قرار خود بازگشتند.

روز یازدهم بهمن ماه ساعت ۶ بعد از ظهر پایگاه مستقر در بالای روستای گانی بی در منطقه بانه مورد حمله پیشمرگان فدائیی قرار گرفت. در این روز پیشمرگان قهرمان فدائیی با طرحی دقیق و از پیش تعیین شده مزدوران مستقر در این پایگاه را مورد تهاجم مسلحانه خود قرار دادند. با وسعت آتش خود امکان هرگونه عکس العملی را از آنها منسحب نمودند. پیشمرگان که در تپه های صرف به پایگاه مستقر شده بودند هم زمان از چند موضع مسلحانه آرمبی جی. نارنجک انداز و انواع سلاح های میک به مدت نیم ساعت این پایگاه را زیر آتش شدید گرفته و صدقات زیادی به آن وارد ساختند بطوری که سنگسار دیده بانی پایگاه با خاک یکسان شد و تکمیل آن در همان دقائق اول حطسبه هلاکت رسید. مزدوران رژیم که در اثر این حمله برق آمای پیشمرگان فدائیی قائلگیر شده بودند در لحظات پایانی درگیری سراسیمه شروع به خمساره باران منطقه نمودند.

انفجار مین

بر اثر انفجار مینی که توسط یک واحد از پیشمرگان فدائیی در تاریخ ۲۳/۱۱/۶۲ در جاده پولجن - آلت نزدیک پایگاه به رده زه شرقی بمباران راه مزدوران تامین جاده کار گذاشته شده بود، یک نفر از مزدوران تامین جاده به هلاکت رسید.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد جو ترس و وحشت در میان زحمتکشان کوردستان از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند و به انواع و اقسام ترندها دست می زنند تا آنها را از حمایت بی دریغ خود از پیشمرگان قهرمان خلق کرد باز دارند. هدف تمامی سیاست های ایدئیی و ارتجاعی رژیم سر کوردستان را این واقعیت تشکیل می دهد اما رژیم نفعها علیه تمام تلاش های مذبحخانه و سیاست های ارتجاعی خود نتوانسته است به این هدف سر کوردستان خود دست یازد بلکه بیش از پیش به عمق این حمایت بی دریغ خود از پیشمرگان و ناشواری خود در بازداشتن آنها از این حمایت بی دریغ است. ما در زیر نمونه ای از این تلاش مذبحخانه رژیم را می آوریم.

روز دوم بهمن ماه تعدادی از مزدوران جانی و پاسدار مستقر در پایگاه "سیاومه" در ساعت ۱۳ شب به روستای گانی که لیزه رفته در صفحه ۷.

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و گومه که برگرفته شده است.

۲۷ دی تا ۲۷ بهمن ماه

خلق کرد پیروز است جدول یک ماهه عملیات پیشمرگان خلق کرد

غنائم بدست آمده	
۱۷۹	سلاح
۳۳	سلاح
۹	سلاح
۱۵۳۰۰	سلاح
۳۲۰	غنایم
۲	سلاح
۴	سلاح
۱۱	سلاح

تلفات دشمن	
۵۳۸	کشته و زخمی
۲۳	سلاح
۴۲	خودرو
۲	ملاخیمای
۳۰	سلاح
۳۱	سلاح
۱۷	سلاح

عملیات پیشمرگه	
۲۱	کمیسیون کنترل حاده
۲۶	ممن گذاری
۲۵	مقاومت در برابر سواران رژیم
۵	ممن در مراکز رژیم
۳	ممن در مراکز رژیم
۲	ممن در مراکز رژیم
۳۳	حمله به مراکز رژیم
۱۱۵	ممن

حزب کمونیست کومه له:

حزب ضرورت یا ضرورت بی حزبی

جامعه ما جایگاه واقعی خود را باز یافته است و متناسب با تحولات اجتماعی و تفکیک طبقاتی جامعه نقش بیخستاز خود را در رهیهای حصار ساززات توده ای آشکار ساخته است و امر ضرورت هدایت ضرک قدرت طبقاتی پرولتاریا را برای ایجاد تحولات بنیانی در جامعه ایران پیش از همیشه و عملاً به اثبات رسانده است.

بر هیچکس پوشیده نیست که ارتقاء کیفی مبارزه همه جانبه جنبش کارگری و کمونیستی ایران امروز دیگر در گرو تشکیل حزب کمونیست ایران و ستاد رهبری - کفنده پرولتاریای سازمان ایران و ایجاد وحدت و انضمام در درون آن است و هرگونه گشایش آتی در مبارزه کمونیستی در گرو انجام چنین امری است، امری که ملزومات عینی و ذهنی خود را مستقیماً از واقعیت عینی و ذهنی حاکم بر سطح رشد و آگاهی و تشکل پرولتاریا و از تحول دیالکتیکی عمیق آن استنتاج می نماید. ارائه برنامه حزب گام نخست چنین پویایی است. که از صوری سازمان صفا بعنوان پیکانه مدافع پیگیری سیاست و خط و شی پرولتاری در جنبش کمونیستی ایران و با اتکا بر اتیک سازمانی خود در درون طبقه کارگر و مبارزات بی امان خود علیه هرگونه گرایش انحرافی بورژوازی و خرده بورژوازی در سطح جنبش و دستیارهای این مبارزه، تدوین گردیده است.

انتشار طرح برنامه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و قطعیت عملی یافتن تشکیل ستاد رهبری طبقه کارگر ایران دشمنان طبقاتی حزب طبقه کارگر ایران را به تکاپو واداشته است. و هیران کومه له در این تقابل کوی سبقت را از هگمتان خود رسوده اند. و آنها را به ابزار خصوصت عینی یا اهداف برنامه ای و عملی طبقه کارگر کشانده و به سقوط هر چه پیشتر در ورطه نفسی ارزش های مولود مبارزات پرولتاریا سوق داده است. آتقای مهندسی این خصوصت طبقاتی را در یکی از شماره های ارگسان حزب خود طی ستاپیری ضحکی به رشته تحریر درآورده، او تلاش کرده است با صحنه سازی و موزون بردازی های موهوم، ایده های ارتحالی حزب خود را صورت داشته، ضایرت اساسی ایده ها و

عملکرد حاکم بر کومه له یعنی اساسی ترین مرفصل های سیاسی-ایدئولوژیک او، روشن سازیم.

بر هیچکس پوشیده نیست که شعار تشکیل حزب طبقه کارگر امروز دیگر نه بعنوان یک آرزوی دست نیافتنی بلکه مالم است که به اساسی ترین وجه از فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی مارکسیست - لنینیست های ایران بدل گشته است و امروز زمینه های عینی تشکیل آن پیش از همیشه فراهم گشته است. جنبش کمونیستی ایران در طول دوران تحدهد حیات واقعی خود در طول نزدیک به دو دهه اخیر از طریق نفس عینی، سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی احزاب و محافل خرده بورژوازی و بورژوازی موجود از قبیل حزب توده و غیره زمینه های عینی و ذهنی تشکیل چنین حزبی را در پراتیک مبارزه طولانی و بی امان خود در تمامی عرصه ها و در گوران رهبری عملی مبارزات طبقه کارگر ایران فراهم ساخته است. جنبش نوین کمونیستی ایران در حقیقت نالوده های چنین حرکت هد قنصدی را از طریق نفسی و طرد انحرافات موجود در جنبش، در پراتیک عملی خود در تمامی عرصه ها بی ریزی ننوده است. بوضوه در دوران بعد از قیام بهمن شاه در این زمینه و در تصریح صانی حرکت خود، گام های عظیمی را به پیش برداشته است. و متناسب با پراتیک عینی و روزمره خود در مجموع تمامی این روند هاء امر حصول به حزب طبقه کارگر را به یک امر عاجل و صرم صمدل ساخته است. سیاست و برنامه صنتقل پرولتاریا امروز دیگر به واقعیت عملی جنبش کارگری و کمونیستی ایران بدل گشته است و متناسب با آن طبقه کارگر آگاه ایران نیز نقش واقعی خود را در تحولات اجتماعی ایفا نموده و در روند رشد مبارزه طبقاتی

حزبه طبقاتی و ماهیت واقعی این به اصطلاح حزب کمونیست را بیخ گریهتر از رهبران خود کومه له به نمایش نگذاشته اند. چه در تبیین صانی حرکت این حزب و چه در توضیح صانی ایدئولوژیک - سیاسی واقعی و نه ادعایی آن. ما تاکنون در برخورد با صانی صورت استدلال و عملکرد چنین کومه له و حزب او آشکار ساخته ایم که حزب او نه حصول ناگزیر پراتیک صعیبن طبقاتی و روند امیتر صیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر در عرصه تقابل آشکار پرولتاریا علیه سرمایه و در یک کلام پراتیک مبارزاتی مشخص در درون طبقه کارگر (همانطور که خود کومه له و تصور صین های او نیز آن را تصور ریزه کرده و عیناً اعلام کرده اند) و در نتیجه نه پاسخی به ضرورت رشد و ارتقاء سطح آگاهی و تشکل طبقاتی آن در عرصه مبارزه طبقاتی، بلکه دقیقاً در نقطه مقابل چنین سر قانومندی بود یک کلام حزب هر اس از چنین رشد و ارتقاء طبقاتی و قطعیت تشکیل ستاد رهبری پرولتاری است.

واقعیت این است که حزب کومه له اگر چه حزب طبقه کارگر نیست ولی حزب نیازهای صین طبقاتی در جامعه ما جدائی که هست و به همین لحاظ نیز تشکیل ستاب آلود چنین حزبی در شرایط تحول کمونیستی جامعه ما و در مرحله کتونی رشد و ارتقا و تضع و شکوفائی مبارزه طبقاتی کارگران ایران نمی توانست بدون هیچ زمینه عینی باشد - این حزب نیز از الزامات طبقاتی خاص خود برخوردار است. ما در این قسمت از بحث خود تلاش می کنیم، به این بخش از واقعیت های صورت در ادعاهای کمونیستی کومه له پرتوی افکنده و جایگاه واقعی این حزب را در روند مبارزه طبقاتی و با توجه به سیر عینی و پیشینه تاریخی تفکسر و

تاکیدها از کمونیست (

نباید انتظار داشته باشیم
که آقای مهدی "مکان طبقاتی"
برنامه سازمان را از طریق تحلیل
واقعیت برنامه بیرون کشیده و به
آن بپردازد. این توقع بجائستی
است که نباید از رهبران کومه
داشتند آنها پیش از آن بدور از
هر گونه تشریح علمی به مسائل
"سازمان" طبقاتی هستند که چنین
کنند از نقطه نظر آقای مهدی
باید نه البته محتوی بلکه فقط
مکان طبقاتی این برنامه را در
جای دیگری جستجو کرد در مقام
"جهانی" طبقاتی و در نهضت
مختص کومه له. آقای مهدی در
توضیح این مکان نیز اضافه می کند
"اقلیت در استراتژی خلاص
به شوری و خلاصه محدود کردن

اما وظائف اتسرناسیونالیستی
پرولتاریا نه تنها امری جدا از
وظائف آن در عرصه ملی نیستند
بلکه همه واقفیت های حاکم بهر
زندگی طبقه کارگر بیانگر گنجه
خوردگی این وظائف و تفکیک
ناپذیری آنهاست. مبارزه طبقه
سرمایه در محدوده یک کشور تنها
کاتال شخص مبارزه پرولتاریای یک
کشور علیه موجودیت نظام
سرمایه داری بعنوان یک سیستم
جهانی و محور نابودی قطعی آن
است، بیان این خلعت مبارزه
طبقه کارگر که عیناً ریشه در
وجود اجتماعی آن دارد در عمار
اتحاد پرولتاریای صراحت جبران
سرمایه کار همه کمونیستهاست.

برخلاف نقطه عزیمت تحلیلی
کاملاً ضد کمونیستی آقای مهدی
طاهیت طبقاتی برنامه حزب

صافی سیاسی - ایدئولوژیک و ملی
حزب خود با واقعیت وجودی
سازرات طبقه کارگر ایران و
اهداف و آمال آن راه در زورق
تحلیل های کینه شده و از دور
خارج شده پنهان نگه دارد. آقای
مهدی در نوشته اخیر خود
جسارت ورود به متن برنامه را به
خود نداده و بسزوات عینی طرح
برنامه در عرصه تقابلی طبقاتی
جامعه و سایر شخص انرا به
کناری نهاده، بسزوات وجودی
"مارکسیسم انقلابی" و "حزب
کمونیست" کومه له را تصور سخته
نموده و به رفته تغییر در آورده
است. او در این تلاش پویانانه
پیش از آن که برنامه "طبقه کارگر
ایران و خطوط اساسی آن را نقد
نماید، تقابل آشکار طبقاتی
خود با این برنامه را به نمایش
گذاشته است و به اضافه خطوط اساسی
لیده های حزب خود پرداخته است.
آقای مهدی در نوشته خود
تنها چهره بورژوازی حزب خود را
در دفاع از ضایع سرمایه داری در
کل آن تحت عنوان مبارزه با
امپریالیسم نوین محدود ساختن

مبارزه طبقه کارگر به مبارزه
علیه امپریالیسم غرب و آمریکا و
شوره به وجه بازی نمایان ساخته
است. آقای مهدی تنها حلقه ای
که برای نفس برنامه سازمان ما
بر آن دست باز نهاده است، همین
جنبه از نقطه نظرات حزب او است
که در طول نوشته او به کرات و به
اشکال گوناگون و در قالب انواع و
اقسام لطایف الحیل تکرار گشته است.

همانطور که گفتم آقای
مهدی طبق معمول مبارزه
ایدئولوژیک کومه له که همیشه و
در همه حال از پرداختن به مسائل
عینی طفره رفته و هم خود را
صروف حتی الامکان بهره برداری
- های هیجانات و عواطف پنهان از
سرمایه داری هر بهی و تحریف و
جعل حقایق می نماید و این کار
را تاکنون به کرات انجام داده است.
در برخورد به طرح برنامه سازمان
نیز طبقه آن که می گوید:

"... که به محتوای خود این
برنامه نیز باید پرداخته
شود. اما این کار را نمی کند.
به رسم ایشان قبل از این کار باید
"صافی سیاسی و طبقاتی و مکان
طبقاتی برنامه اقلیت و حزب -
سازی او توضیح داده شود."

(کمونیست شماره ۱۳

جنبش کمونیستی ایران در طول دوران تجدید حیات واقعی خود در طول
نزدیک به دو دهه اخیر از طریق نفس عمل، سیاسی، ایدئولوژیک و
تشکیلاتی احزاب و محافل خرده بورژوازی و بورژوازی موجود
از قبیل حزب توده و غیره زمینه های عینی و ذهنی تشکیل
جنبش حزبی را در بر پاتیک مبارزه طولانی و بی امان خود در
نمای عرصه ها و در گوران رهبری عظمی سازرات طبقه کارگر
ایران فراهم ساخته است.

طبقه کارگر ایران را خنثی
شخص ضد سرمایه داری آن و
ارزیابی درست و اصولی از شدتین
داخلی و خارجی آن در ایستادن
مبارزه با هدف استقرار یک تدری

پرولتاریا و سوسیالیسم از طریق
سرمایه داری نظم سرمایه داری
ایران تشکیل می دهد. و همانطور
که در مرحله برنامه حزبی سازمان
نیز آمده است، این برنامه
انما نامه و "کیفر خواست
کارگران ایران علیه نظام مبتنی بر
ستم و استثمار سرمایه داری و ضد
حکومت قطعی این نظام و
اعلان جنگ نهایی به تمام
سرمایه داران و کلیه سرجمعینی
است که مدافع وضعیت فئالکسیار
کنوسی و نظام مبتنی بر بردگی کار
مزدوری هستند نه چیز دیگری،
مثلاً: اعلام جنگ به کشورهای
سوسیالیستی همچون برنامه
نیروهای ناسیونالیست و خرده -
بورژوازی مثل کومه له.

آقای مهدی در حقیقت با
انگشت گذاشتن بر این واقعیت
چهره بورژوازی حزب خود را
آشکار ساخته است، تا مکان
طبقاتی برنامه ما را خندش
نماید.

مبارزه طبقه کارگر بر طبقه
سرمایه داری به مبارزه بر علیه ضایع
امریکا و غرب در ایران... اختلافی
با حزب توده... ندارد.
(همانجا تاکید اوتا)
قبل از آنکه گنه گرایشات ارتجاعی
آقای مهدی را در اینجا باز کنیم لازم
است نکته ای را توضیح دهیم.

وظائف اتسرناسیونالیستی بخش
جدائی ناپذیری از وظائف پرولتاریا
و درست آن نقطه قوت پرولتاریاست
که جریان های ناسیونالیست خرده -
بورژوا و بورژوا بعنوان نقطه ضعف
آن و محل مانور احساسات رقیب
ناسیونالیستی خویش محسوب
می دارند و تلاش می کنند دشمنی
خود با اتحاد اتسرناسیونالیستی
پرولتاریا را در تمامی عرصه ها،
به انواع و اقسام ترفندها به وسیله
و اساسی برای تحقق توده ها
تبدیل نمایند و از هیچگونه
بهره برداری خصمانه از آن
فرودگاری نکنند و کمونیستها
یعنی مدافعین چنین اتحادی را
عاطل انجیبی و... بنامند.
درست همان کاری که آقای مهدی
به انجام آن همت گماشته است.

حال به کشف مقایسه ای آقای مهدی بازگردیم .

از حق نباید گذشت آقای مهدی با این کشف معبرالمقل برنقطه افتراق جالبی انگشت گذاشته است چه در برخورد به وجه اختلاف با حزب توده و چه در برخورد با اختلاف با یا کومه له و حزب او.

صلماً این وجه افتراق اساسی ما در برخورد به وظائف بین المللی پرولتاریا و دولت از اتسرناسیونالیسم و همبستگی و اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر جهانی نه تنها با کومه له بلکه علیه هم تکلیف و تأکید فاتحانه آقای مهدی با حزب توده نیز هست . تنها بنابه ماهیت و عملکرد هر کدام از این دو جریان از دو جنبه تفاوت و اگر وجه افتراق ما با حزب کومه له در برخورد به وظائف اتسرناسیونالیستی پرولتاریا از وضع کاملاً ساززی که آقای مهدی به آن اشاره کرده است در شعار مبارزه علیه کسب اصبرالیسم جهانی به سرکردگی اصبرالیسم امریکا تجلی می یابد در همین حال با حزب توده نیز در ادامه این شعار و گانال اصلی تحقق این شعار یعنی تسویه حساب قطعی با پایگاه داخلی سرمایه جهانی یعنی نظم سرمایه داری حاکم بر ایران تشکیل می دهد که حزب توده تلاش در تقدیم و تطهیر این دشمن داخلی تحت پوشش خطر اصبرالیسم و تئوریزه کردن اصبرالیسم بعنوان صرفاً

این که از نقطه نظر ما هر دوی این جریانها عملاً و نظراً به استمرار نظم ستیزانه کمونیستی و تقدیر آن تحت اینگونه شعارها می پردازند تردیدی نیست . کما این که هر دو جریان علیه نظم اختلاف شبیه و شعارها از نقطه عزیمت کاملاً ضایر در تمامی

برخلاف نقطه عزیمت تحلیلی کاملاً ضد کمونیستی آقای مهدی ماهیت طبقاتی برنامه حزب طبقه کارگر ایران را خطوط مشخص ضد سرمایه داری آنوارزیایی درست و اصولی از حدین داخلی و خارجی آن در این مبارزه با هدف استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم از طریق سرنگونی قهری نظم سرمایه داری ایران تشکیل می دهد .

زیربنه ها یک هدف مشترک را دنبال می کنند . و علیه هم در دو وظیفه مشخصات را تشکیل می دهند در عمل در تحلیل نهائی از یک نوع برداشت و برخورد با مسائل در تعریف مارکسیسم پیروی می کنند . با این تعلیمات که حزب توده از موضع تعریف بورژوا - فدرالیستی و تبدیل سوسیالیسم به یک آرمان نه عاجل بلکه دور و فعلاً غیر قابل حصول در جامعه و از این طریق فراتر خواندن طبقه کارگر به دنبالروی آشکار از اقتدار و طبقات غیر پرولتاری و به رسم حزب توده ضد امبرالیست

اگر در طول بیش از دو دهه گذشته سلاح جریانهای صعبی مارکسیسم را در مواجهه با قدرت پرولتاریا و سازماندهی و تشکل حزبی آن دست یازیدن به تحلیلهای وارونه از تحولات اجتماعی و ارائه نامیونالیسم تنگ نظرانه خرده بورژوازی از طریق هم سوئی با شعارهای ارتجاعی ترین بخش بورژوازی در پوشش ایده های تساوی طلبانه و بدوی و اتیویستی از سوسیالیسم تشکیل می داد امروز دیگر این سلاح در شرایطی که جنبش کمونیستی و کارگری ایران سرزهای مشخص طبقاتی جنبش دیدگاههای را آشکار ساخته و از صفوف خود بطور ساخته است بسیار کهنه گشته است .

همچون رژیم جمهوری اسلامی و کومه له از موضع دکماتیستی و تساوی طلبانه بدوی و اخلاقی از سوسیالیسم و تبدیل آن به یک مذهب مقدس و غیر عقلی و اتیویستی و نفسی ایزد های مولود آن در نتیجه تعبیر و تفسیرهای دلخواه از سوسیالیسم و جایگزینی آن با گرایشات طبقاتی خاصی خود در حقیقت بر هیچ مارکسیستی پیشینه

یک عامل خارجی و غیر طبقاتی بدون هیچ گونه زمینه عینی حضور آن در داخل جامعه دارد . تلاشی که کومه له به شکل دیگری و بسا دست یازیدن به شعار هارترین بخش اصبرالیسم جهانی و اعلام جهاد مقدس علیه اردوگانه سوسیالیستی تحت عنوان اصبرالیسم نوین و غیره به عمل می آورد .

نیست که کومه له و حزب توده در عمل به یک نتیجه واحد دست می یابند نفس سوسیالیسم چه در پوشش درک لیبرالی حزب توده از آن وجه در پوشش درک اتیویستی و بدوی کومه له از آن .

اما گذشته از همه اینها شاه بیت اصلی استدلالهای آقای مهدی در بحث خود پیرامون بیان طبقاتی برنامه ما را بیش از همه این امر تشکیل می دهد که ما سرمایه طبقه کارگر علیه سرمایه داری را محدود به مبارزه علیه ضافع امریکا و غرب در ایران ساخته ایم و به رسم این بیان اردوگاه اصبرالیستی دیگر را که همانا به افتقاد کومه له و حزب او اردوگاه سوسیالیستی (از اتحاد شوروی تا چین) را از قلم انداخته ایم باید از آن کیم که اتفاقاً وجه افتراق روشن و جالبی است آقای مهدی و شما درست روی آن انگشت گذاشته اید اما فرقی اساسی بین کمونیستها و غیر کمونیستها در همین واقعیت نهفته است که کمونیستها مبارزه طبقه کارگر را نتیجه سرمایه داری داخلی و از این طریق سیستم جهانی امبرالیسم در کل خود می نمایند و تلاش می کنند که مبارزات اقتدار و طبقات زحمتکش جامعه را نیز در این صیر کاتالیزه نمایند و ضد کمونیستها با دستاویز قرار دادن شمارهای از قبیل احیای سرمایه داری در شوروی

و غیره و نفسی دستاوردهای طبقه کارگر ، نه تنها مبارزات اقتدار و طبقات غیر پرولتاری ، بلکه قبل از همه مبارزات طبقه کارگر را از پرورش به در سرمایه و پایگاه جهانی آن منحرف ساخته و نتیجه ضدین طبیعی آن در سطح جهانی نموده و در حقیقت در صیرهای انحرافی کاتالیزه نمایند و بدین وسیله همان سرمایه داری و منافع قرب را از زیر ضرب خارج ساخته و به آرایش چهره آن می پردازند .

اما کمونیستها برخلاف کومه له و همپالکی هایش هرگز سرز بیسن ضدین خود و دستان انقلاب را با دشمنان قسم خورده آن نمه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه جهانی نیز مقدور نمی ناپند . و این مقدور کردن چهره انقلاب و ضد انقلاب در سطح حیاتی بدین سرزید قبل از همه انعکاسی و عملی موضع طبقاتی مشخص هر جریانی در داخل جامعه صیرین دارد و چنین سیاست هائی قبل از

همه انگکار نتایج واقعی مریضی در عرصه مبارزه طبقاتی درون جامعه معینی است.

کمیونتهای ایران بر خلاف حزب کومه له و به طریقی اولی حزب توده، از تصورات ذهنی خود در مجال مسائل مربوط به وظائف بین الطبقاتی کارگرمیومین وظائف دورنی آن نمی بردارند.

بلکه از نقطه نظر آنها کانال اصلی وظائف اکثریتنا میباشند. برولتاریا از طریقی تعیین تکلیف قطعی بباورروازی کشور خودی می گذرد و این یک اصل مسلم مارکسیستی است و اتحاد و همبستگی جهانی پرولتاریا نیز بسان اصلی مبارزه هماغانه و هدفمند کارگران پرآمر جهان در تحقق بخشیدن به آرمان طبقاتی خود با سطح رشد و شیوه های مناسب با شرایط خود بر سر خود برپا خوش است.

اما آقای مهدی گذشته از ساله ضعیف در استدلال خود واقعیت دیگری را نیز آشکار ساخته است که همانا ماهیت اصلی تمامی تلاشهای گریزناپذیر حزب کومه له این میزاد خسوار عقب مانده شعارهای کهنه شده "مارکسیسم انقلابی" است. آقای مهدی تصور می کند به ابداعات جدیدی دست یافته است. ولی آقای مهدی باید این واقعیت را حداقل خوب بداند - البته اگر ضایع طبقاتی ایشان اجازه را بدهد - که اگر آشکار عقب مانده دهقانی در کردستان را بشود با این افتات کهنه شده و کاملاً از صد افتاده خواب کرده نمی توان با جنگ انداختن به چنین تئوریهایی که جنبش کارگری ایران امروزی دیگر سالمات بطور قطع آنها را طرف نموده و به زباله دانی تاریخ سپرده است به جنگ ضرورت برناه و حزب کمیونست واقعی طبقه کارگر شتافت و ایده های ایشان برای طبقه کارگر ایران به همان اندازه جدید و در خور تأمل است که حزب سازی کومه له. و اگر کومه له تازه به فکر و صرافت زنده کردن اوراد کهنه و جان بخشیدن به اشباح دوران از دست رفته و زنده کردن تشکرات ارتجاعی و نصابی - طبیبانه بدوی خرده بسورروازی ضعیف شده و متنی ایران در شرایط امروز جنبش انقلابی خلق کرد افتاده است جنبش کارگری و کمیونستی ایران در طول

حرکت پرتلاش خود در طول سال های مضامی گذشته عملاً و نظراً چنین توهمات ایدئولوژیکی و تزهای ارتجاعی را در هم شکسته و پیکار خود را باوریدین سرانته های فروردین ۶۳ چنین ایده های ضد کمونیستی ممکن ساخته است و ضرورت حزب طبقه کارگر و اصول اساسی برنامه ای آن را در مبارزات بی امان علیه چنین پرممانده ها و تقاله های متخ از چهارده حضور ایده ها و درک های بسورروائی و خرده بسورروائی از سویایلیسم بر سر آورده است.

آقای مهدی تصور می کند که تئوری های مضعنه حزب او بر سر خوردنهایی از نوع بر خورد او برای کمیونتهای ایران ابداعات نظهوری هستند که نه حتی با ظهور کومه له در اواخر ۵۷ بلکه در محفل بازی های همین چند سال اخیر کومه له و شرکا، او کشف شده اند. ولی آقای مهدی هر تصویری داشته باشد تصور او چیزی از بار واقعیت نمی گاهند. حقیقت این است که کومه له و حزب او آخرین تشکی است که حول این تئوریها گردیده است و ابداعات حزب کومه له چندان هم جدید نبوده و نیستند و کومه له تنها مناسب با وضعیت عمومی خود در صف بندی طبقاتی جنبش کردستان، شیوه خاصی از ارائه آنها را به ضعه ظهور رسانده است.

تزهای ناسیونالیستی که کاربایسته اصلی تئوریک حزب کومه له را تشکیل می دهند، تاریخچه طولانی در جنبش ایران - همانطور که در سطح جهانی نیز دارند و از صزگی های معینی در برخورد به مسائل در ایران برخوردار بوده و هستند که اساسی ترین مرفصل های آنها را در بدو پیدایش این تزها و بویژه در دوران بعد از تحولات ارتجاعی ناشی از رفیم ارضی در ایران بی اقتصادی بد استقرار سویالیسم در عصر کنونی و نیاله روی از حزب کمیونست جیمن در اختلافات فیما بین این حزب با حزب کمیونست شوروی در عرصه جهانی از یک سری و عدم درت تحولات بعد از رفیم ارضی رژیم جهانی و نفی آوانتوریستی صف بندی های حاصله از آن در عرصه داخلی از سوی دیگر تشکیل می داد. اگر کومه له خوب بخاطر دانسته باشد تا همین اواخر و حتی بعد از تشکیل

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان نیزه تحلیل جامعه بنده ایران به عنوان یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودال یکی از تشخص های بارز کومه له و بسیاری از هیالکی های آن در سراسر ایران بسود.

پسروان این خط و منحنی ناسیونالیستی و افاده دهندگان آن که در کوران اختلافات فیما بین حزب کمیونست شوروی و جنبش کمیونست چین پیروان تزهای کنگره های ۲۰ و ۲۲ به دو آتش - ترین مدعیان مارکسیسم جدل گشته حتی در لیام پرشیدن نیز از الگوی چین پیروی می کردند، در حقیقت تا آنجا که به جنبش کارگری ایران مربوط می شد - چندان اختلاف اساسی با خط و منحنی حزب توده در عمل نداشته و در جمیع می توان گفت نقطه اختراق آنها همانطور که امروز آقای مهدی آگاهانه یا ناسا - آگاهانه به شیوه های اصلاح خود رجعت نموده اند، نیاله روی یا بهنر است بگوئیم الگو برداری از این یا آن حزب کمیونست در فلان کشور و حرکت از چنین موضع جهانی بود. اصلاً آنچه که برای این جریانات فاقد هرگونه اهمیت بود، ضروریات مبارزه طبقه کارگر ایران و امر هدایت آن بود. آنها در حرف زمانی که از پرولتاریا سخن می گفتند، لبایشان در عشق به آزادی آن مافکها بی وقته از حرکت بازمی ایستاده ولی زمانی که حتی در حرف نیز به چگونگی دست یافتن به این رهائی می رسیدند اول تخت پر کسوت را بر زمین می نهادند و سایر الگوی این یا آن کشور را از آستین بیرون می کشیدند. و در نتیجه به همان ورطه ای پهای می گذاشتند که زادگاهشان یعنی حزب توده از مدتها پیش در آن آرام نموده بود و پسندور از پرخاشگری های گروه دوم برای تبدیل دیکتاتوری شاه به دیکتاتوری سکاها در شرایط بعد از رفیم ارضی که به هم او در کل مشرفی بود، نایبه شامی می کرد. و در این راه و تنها در این راه از هیچ کوشی فروگذار نمی کرد، چرا که طبقه منطبق حزب توده به آخره سرمایه داری بهتسراز فئودالیسم بود. محافل ناسیونالیست طرفدار چین نیزه علیه رفیم عدم پذیرش هرگونه تحولی در اثر این رفیمها، در این زمینه با حزب توده اختلاف چندانی نداشتند و با اعلام این که هیچ گونه تحولی

در اثر این رفرمها در این زمینه با حزب توده اختلاف چندانی نداشتند و با اعلام این که هیچ گونه تغییری در ساختار احتمالی رخ نداده است و همان روابط گذشته است و انقلاب سفید یک بازی و فریب پیش نیست، در اندیشه انجام انقلاب دهقانی، آنها به شیوه چپین بودند. حزب توده می گفت: چراغ حزب را در خانه های خود روشن نگه دارید. و محافل طرفدار چپین می گفتند: محافل طالبانی تشکیل دهید، رادیو پکس را گوش کنید، فعالیت خود را گسترش دهید برای کار به میان دهقانان بروید و حزب طبقه کارگر از پیوند این محافل بیجور خواهد آمد. محافلی که معلوم نبود با چمکیتی کیفیت برای این نیروها نمی توانست مطرح باشد و نبود. به حزب تبدیل خواهد شد.

در حقیقت اگر حزب توده حزب رفرمهای بورژوازی بود و تلاش و تکمیل اقتدار محافظه کار اجتماعی را در فعالیت خود متصکر می ساخت، محافل طرفدار چپین و نمایندگان رنگارنگ آن تصایلات عقب مانده اقتدار مختلف خرده تولید کنندگان سنتی از قبیل دهقانان و بخشی از خرده بورژوازی شهری را متصکر می ساختند بخش هایی از نیروهای احتمالی که ضایف کوشه نظراته شان آنها را از پذیرش واقعیت ها نیز باز داشت و درست به همان اندازه که حزب توده نه در تشریح و نه در عمل کاری با سازماندهی طبقه کارگر نداشت این محافل پراکنده طالبانی روشنفکری نیز با انفعال طلبی خاص خود تنها مروجین پر خاشاکر و بی بندوبار تکمیل به واقعیت های حاکم بر جامعه بودند.

با اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و خط مشی انقلابی آن جنبش بر تحلیل و ارزیابی های دقیق از تحولات بعد از رفرم ارضی و وضعیت عمومی جنبش کمونیستی، تشریح محافل این جریانات عملاً و نظراً نفسی گردید و در واقع امر نیز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با ارائه یک خط و مشی انقلابی از یک سر جذب بسیاری از این محافل گرد هنوز از شور انقلابی برخوردار بودند از سوی دیگر، ضربات میلی بر طرفداران این تیزهای منفعلانه ناسیونالیستی وارد آورد. هر چند بقایای کبک زده این محافل با

دستاورز قرار دادن برخی اشتباهات تاکتیکی و انحرافات سازمان در این زمینه با یافتاری هر چه بیشتر بر ایده های خاص خود هر چه بیشتر به و رطبه

دامگیر سازمان مجاهدین خلق را به نفع گرایش رادیکال خود تغییر داده متناسب با وضعیت پایگاه اجتماعی خود که تحت فشار گسترش روز افزون روابط کالائی و

اگر در پیروز ایجاد تشکل های محلی و کاریکاتوری وسیله ای برای تخطئه تشکل کمونیستی اداکار و با اهدای کمونیستی، در عرصه متنت جنبش کمونیستی میدان عمل هر چند محدودی برای خود باز می یافت امروز دیگر چنین وسیله ای در شرایطی که تشکل حزب طبقه کارگر به فرجام خود نزدیک شده است و بنیان های مشخص ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی آن پی ریزی گشته است فاقد هرگونه کارائی است. اگر در شرایط دهه چهل چنین نشیانی عرصه مانوری برای خود می یافت، امروز دیگر در شرایط تحکیم روز افزون صفوف پیشروان کمونیست، اقداماتی از قبیل حزب سازی کوشه که پیشاپیش محکوم به شکست قطعی بوده و هست، دیگر طبقه کارگر ایران دوران تشکل های غیر حزبی و احزاب کاریکاتوری و احیای تئورهای و روشهای راجع هر پیشروانی بگوسیرده است.

سقوط کمانده شدند. در حقیقت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با طرح برنامه آزادیت سازمان رزمنده و ادامه کار کمونیستی با عملکرد و خط و مشی انقلابی نقطه پایانی بر حیات انواع و اقسام محافل وابسته به حزب توده و طرفدار چپین گذاشت و انرژی انقلابی فعالین جنبش کمونیستی را در جهت اهداف پسرولتاریا و سازماندهی آن کانالیزه نمود. و این محافل پس عملی را از منبئه اصلی تغذیه آنها محروم ساخت.

اما خط و مشی ناسیونالیستی این محافل یک بار دیگر نیز در فواصل بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ در قالب بخش از سازمان مجاهدین خلق ایران تجدید حیات نمود. تمایلات رادیکال درون سازمان مجاهدین خلق به مثابه عوامل این تجدید حیات، در تجزیه ناتمامی درونی این سازمان با اعلام پذیرش تیزهای ناسیونالیستی جریانات طرفدار چپین، جانی دوباره به این تیزها بخشیدند. منتها آن به شکل و مشوره گذشته بلکه متناسب با مختصات طبقاتی رادیکال خود. این بخش از سازمان مجاهدین خلق که در اثر انحراف تحولات اجتماعی و تفکیک طبقاتی درون جامعه و انعقاد این تفکیک در ساختار سیاسی - ایدئولوژیک تشکیلاتی سنتی سازمان مجاهدین خلق و تجزیه درونی آن با این عرصه و جزو گذشته بود با حفظ مختصات عمومی حرکت قبلی خود تنها تغییری صوری در اعتقادات عقب مانده و سنتی و ضد علمی خود ایجاد نموده و در تلاش آن بود که انقباض

سیستم سرمایه داری به ویژه در حوزه خدمات هر روز بیشتر از روز پیش به سوی ناسودی کشاننده می شد، بر مواجهه با گرایش درونی دیگر سازمان مجاهدین که با باز تولید طبقاتی خود بود در جامعه سرمایه داری در صدد تکمیل به روابط جدید و تطبیق تدریجی خود با آن بود و در بهترین حالت برای تعدیل آن مبارزه می کرد به ایده های از نفس افتاده جریانات خط ۴ با تصور اقتدار گسیخته خود روسی دوباره بخشید و به مقابله خیزین با گرایش مقابل خرید که بیز محافظه کارتر از پیش می گردید، پرداخت. این جریان با اعلام موجودیت خود مان بخش از محافل متعلق به این طرز تفکر را کب هنوز جذب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نشده بودند و با به انفعال کامل کشیده شده بودند حول خود مجتمع نمود. به ویژه از آن جهت این جریان در این کار موفقیت حاصل نمود که علاوه بر مشخصه های ایدئولوژیک سابق پیشروان خط و مشی حزب کمونیست چین، مشخصه جدیدی را نیز بر آنها افزود که محافل متعلق به این خط و مشی در سرخورد به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، آن را به نقطه اقترا ق خود مبدل ساخته بودند. به اصطلاح رد شی چریکی با برخورد با تاکتیک ها و شیوه مبارزاتی سازمان. بخش مشعب سازمان مجاهدین با اعلام این مساله در برهه ای از حیات خود در طسول

ت کوتاهی بخشی از محافل موجود را بهرزه در کوران جنبش توده ای سال ۵۷ میل خود مشکل ساخت که اکثر سازمانها و محافل تشکیل دهنده کفرانر ضدت بعد از سرنگونی رژیم پهلوی از آن جطه بودند.

بخش منتخب که مهم ترین مشکل آن را سازمان بیکار تشکیل می داد ضمن حفظ اساسی ترین مشخصه های اخلاف خود، مشخصه های جدیدی را نیز بر آنها افزود از جمله، آگونیسم در برخورد به جنبش کارگری، آوازیوریسم در برخورد به مسائل عمومی جنبش و تلاش در جهت تحصیل ذهنیات خود بر اقامت و دامن زدن به ناصیونالیسم کومونیسم و تئوریته نمودن آن.

اما دوران رونق محدود و کوتاه مدت این جریانات در پرتو رشد و افشالاج جنبش کارگری - کومونیستی ایران و تشکل و آگاهی روز افزون طبقه کارگر ایران به زودی رنگ باخته، صبری گشت و طلیقم تلاش های بی وقته آنها رسوخ آنها در صفی پرولتاریا با شکست قطعی روبرو گشت. اگرچه انضام در سازمان ماه مدت کوتاهی خوراک تبلیغاتی جدیدی در اختیار آنها گذاشت. ولی هر سه قانونمند تضیح و شکوفائی مبارزه طبقاتی و رشد و ارتقاء سطح تشکل و آگاهی طبقه کارگر هر سه را بر این تشکل های خرده بورژوازی هر چه محدودتر ساخت و این امر به بحران دانه داری در صفی آنها دامن زد که نهایتاً ضجر به قریبائی درونی آنها گردید. و جنبش کارگری ایران بیکار دیگر این جریان خرده بورژوازی و ضد کومونیستی را با ارایش جدیدی از تیر و از صفی خود طرد نمود. هر چند این انحطاط سیاسی - ایدئولوژیک در شرایط بحرانی جامعه و گسترش روز افزون سرکوب افشار گسخته رژیم ضجر به تلاشی تشکلاتی این سازمانها نیز گردید. اما عناصر و محافل و بقایای این جریسان هم چنان به حضور خود ادامه دادند و در هر سه بعد از این انحطاط، بیکار دیگر به سوی تشکل دیگری که در جنبش کردستان حضور داشت، روی آورده و در بیکار تعیف او باد تبختر پرچمداری

خط و مشی ورشکسته خود را بپندند که حاصل جمع آن طی سروسه کوتاه مدت متناسب با نیازهای عمومی این خط و مشی و روشنفکران ورشکسته آن از یک سوی و کومه له به عنوان یک جریان عقب مانده دهقانی از سوی دیگر همین موجود جدید الخلقه خط ۳ یعنی حزب به اصطلاح کومنیست کومه له است.

اما باید دید کومه له بعنوان آخرین بازمانده دیدگاه ناصیونالیستی خط ۳، چگونه بوجود آمد و چه علل و عوامل عینی علییرغم شکست قطعی خط ۳ در جنبش کارگری به تداوم حرکت او کمک کرده است و مفهوم تلاش های امروز او چیست؟

کومه له در دوران بعد از قیام بهمن تحت عنوان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان از پیوند بخشی از محافل و جمعیت های ناصیونالیست کرد که اکثر آنها از نقطه نظر فکری در چارچوب جریانات خط ۳ قرار داشتند، تشکیل گردید. و درست در همان روزهای تشکیل خود نیز علییرغم آن که محافل و تشکل های خط ۳

و اگر در احزابی از نوع حزب دوطبقه طوقسان و رنجبران و حزب توده حسی با اختلافات سیاسی با آنها حزب طبقه کارگر بی یابد حزب کارگران و دهقانان و پیشوران می بود و بورژوازی ملی نیز از جایگاه خاص خود در اینگونه احزاب می بایست برخوردار می گشت و حزب طبقه کارگر برای اینگونه احزاب دکان چند نش اقرار و طبقات مختلف بود... حزب کومه له در حقیقت حزب طیت کرد به عنوان یک برای قیام و در عمل پای اصلی آن و ملیت های دیگر بعنوان پای دوم آن است.

تحت فشار اقامت ساززه طبقاتی بسیاری از خصوصیات عقب مانده این محافل و مشخصه های فکری آنها را نفی کرده بودند کومه له با همان مختصات عقب مانده محافل دهه ۴۰ و نه

حسی آتانه قیام بهمن پای به سر صرمه وجود گذاشت و اگرچه بر زمین ناصیونالیسم حاکم بر جنبش انقلابی خلق گرد شد تبیسا صریحی کرد ولی هرگز نتوانست با تفکرات عقب مانده خود برخورد جدی نماید. پوپولیسم بیکران و ناصیونالیسم نساب و عقب ماندگی ذهنی و عقلی از مشخصه های بارز کومه له در افاز پیدایش خود بود. و علییرغم فعالیت عملی در جنبش با الفمل بوده ای در کردستان تا مدت ها نتوانست حسی بر اشکالات خود وقف حاصل کند. اگرچه زمانی هم که به این صرافت افتاد نه تنها دیگر دیر شده بود، بلکه به ضربه یازهم عقب مانده خاص خود به حل آنها برخاست و در نتیجه نه تنها بار مشکلات گذشته خود نکاست، بلکه هم روز بیشتر از روز پیش بر دانه آنها نیز افزود.

کومه له برخلاف جریان های خط ۳ در سایر نقاط ایران که زمینه های مبنی حرکت خود را از دست داده بودند علییرغم این عقب ماندگی خود در تمامی زمینه ها بر پیشتر آمده های ناصیونالیستی موجود در سطح جنبش انقلابی خلق کرد و با اتکا به پایگاه دهقانی خود در کردستان نتوانست بر سر پا بایستد و حضور عملی او در جنبش ملی نیز به این واقعیت کمک تعیین کننده ای کرده است. درست همین حضور صغین کومه له یا چنین خصوصیات نیز او را به کمه امال تصای بقایای خط ۳ در ایران مبدل ساخت و ضناب با غرور بختن سازمانها و تشکل های خط ۳ بقایای نیروها و محافل ضلق به این جریسان فکری را به سوی کومه له سوق داد. و این بار یک سازمان ناصیونالیست دهقانی و ضطقه ای با تمامی گرایشات محور و عقب مانده آن مدافع اصلی خط و مشی موصوم به خط ۳ گردید. سازمانی که هم اینک مدعی است حزب کومنیست، یعنی حزب رهبری کننده طبقه کارگر ایران را تشکیل داده است.

اگر در طول بیش از دو دهه گذشته سلاح جریان های طعی مارکسیسم را در مواجهه با قدرت پرولتاریا و سازماندهی و تشکل حزبی آن دست یاز بدن. بصبه

پیش پستی تشکیلی حزب طبقه کارگر

حزب کمونیست کومه له...

تحلیل های وارونه از تحولات اجتماعی و ارائه "ناسیونالیسم تنگ نظرانه خرده بورژوازی از طریق هم سوئی با شعارهای ارتجاعی ترین بخش بورژوازی در پوشش ایده های تمایز طلبانه و بسدی و اتویستی از صویالیسم تشکیل می داد. امروز دیگر این سلاح در شرایطی که جنبش کمونیستی و کارگری ایران سرزدهای مشخصی طبقاتی چنین دیدگاههایی را آشکار ساخته و از صفوف خسوف ظهور ساخته است بسیار کمینه گشته است. اگر دیروز ایجاد شکل های محفلی و کاریکاتوروی وسیله ای برای تخطئه تشکیلات کمونیستی ادامه کار و بسا اهداف کمونیستی، در عرصه شتت جنبش کمونیستی میدان عمل هر چند محدودی برای خود باز می یافت امروز دیگر چنین وسیله ای در شرایطی که تشکیلات حزب طبقه کارگر به فرجام خود نزدیک شده است و بنیان های شخص ایدئولوژیک سیاسی و تشکلاتی آن بر ریزی گشته است فاقد هرگونه کارایی است. اگر در شرایط دهه چهل چنین تشبثاتی عرصه مانوری برای خود می یافت امروز دیگر در شرایط تخفیم روز افزون صفوف پیشروان کمونیست، اقداماتی از قبیل حزب سازی کومه له پیشاپیش محکوم به شکست قطعی بوده و هست. دیگر طبقه کارگر ایران دوران تشکلهای غیر حزبی و احزاب کاریکاتوروی و احیای تئوریهای بورژوازی و خرده بورژوازی را تحت هر پوششی و هنوایی به کور سپرده است. کومه له در این زمینه نیز عقب ماندگی خاص خود را بیشتر به نمایش گذاشته است تا پیشرفتگی خود را و طبق معمول خیلی دیر به سلاح حزب سازی پناه برده و به احیای خاطرات سرده پرداخته است.

شاید ماهیت واقعی تلاشهای کومه له در این زمینه بر خود او نیز روشن نبوده و نیست. چرا که نه دانش حضور عظمی او در جنبش و نه وسعت دید و ماهیت طبقاتی کومه له در این اجازه را بسا او نمی دهد که پدیده هایی از قبیل حزب سازی و تلاش های خود در این زمینه را ریشه یابی کند. ولی آنچه که مسلم است برخلاف تصور کومه له احزابی از نوع حزب کمونیست او برای اولین بار نیست که در جنبش ایران با تمسک به چنین ایده های

و با چنین اهدافی اعلام موجودیت می نماید. سرخلاف تصور کومه له جنبش انقلابی و کمونیستی ایران نزدیک به نیم دو جین ز این گونه احزاب را با همین آید. ها و اهداف حزب کومه له پشت سر گذاشتند و بقایای این دکان های چند نبش هنوز هم در این یا آن گوشه جنبش مشغول بره های دوران زوال زود بر خود هستند و حزب کومه له اینک تنها فرق اساسی که با این گونه احزاب دارد نه در مریکه های اساسی نقطه عزیمت اینگونه احزاب بلکه در شرایط وجودی خود با آنهاست. امروز دیگر جنبش کمونیستی پیش از آن رشد و ارتقا یافته است و از سازه های فکری برخوردار است که با ابتدائی ترین ادراک احزاب ملقب حزب کومه له بتوان به جنگ آن رفت و این احزاب و سازمانها نیز پیش از آن رسوائی سیاسی و عظمی بسیار آورده اند که بتوانند دوباره در همان قالب گذشته تجدید حیات نمایند. باید متاسفانه با اوضاع و احوال حاکم بر جامعه در دکانهای و نقش و تکرار دکان جدید تغییراتی انجام داد و ظاهر اصلاح تر از پیش و قیصر و حکم تر از قبل به آب کردن بنجل های کهنه شده پرداخت و اوراد کهنه را در وجود نئی خود جدیدی که از اعتبار حد اقلی برخوردار باشد دمید. اشتباهات املا کهنه را در جزئیات امور تصحیح نمود و این تصحیحات ناچیز را به حساب فتوحات عظمی حزب گذاشتند گذاشت. و اگر در احزابی از نوع حزب دوطبقه طوفان ورنجبران و حزب توده حتی با اختلافات سیاسی یا انبیا، حزب طبقه کارگر می باشد حزب کارگران و دهقانان و پیشه وران، می بود و بورژوازی ملی نیز از جایگاه خاص خود در اینگونه احزاب منی بایست برخوردار می گشت. و حزب طبقه کارگر برای این گونه احزاب دکان چند ستر اقتسار و طبقات مختلف بود. حزب کومه له امروز با نوآوری بدیع خود این مشکل را در شرایطی که تمسک به چنین ایده هایی در جنبش کمونیستی محلی از احزاب ندارد، متناسب با عقب ماندگی و ملایقه دهقانی ویژه خود حل نموده است، او این امر را که دیگر رند جنبش کمونیستی جرات دفاع از چنین نژادهایی را حتی از پروپاگنדה ترین نمایندگان آن نیز طلب نموده است، به عرصه برخورد های سیاسی جبهه بورژوازی یعنی عرصه تمسک ملیت ها کشانده

است و حزب کومه له در حقیقت حزب ملیت گرد بمنیان پت سیاسی ضمیمه و در تمسک پای اصلی آن، و ملیت های دیگر بعنوان پای دوم آن است. حزب کومه له، حزب نگرانی های حاکمیت این یا آن ملیت برای حزب و حزب رفع این نگرانیهای دهشت انگیز تنگ نظرانه خرده بورژوازی ملت گرد است. راز تقسیم وظائف، برنامه، رهبری و... حزب کومه له در این واقعیت نهفته است. اگر برای اصلاح حزب کومه له "حزب کمونیست" حزب طبقات مختلف نبود، برای کومه له نیز در واقعیت عملی چنین است. اگرچه کومه له با رنگ و لمساب صفت و سخت "کار کمونیستی" و مدین دم حیات بخش روح القدس در تمامی اقتسار و طبقات مختلف اجتماعی، آنها را به شبهه به مذهب جدیدی در می آورد و سعی می کند بر این سی جبهه طبقاتی جبهه ای بپنجد. ولی این واقعیت در دست کار کومه له ریشه را تر از آن است و خود کومه له پیش از آن متلاهی به آن است که بتواند کاملاً بر این تجانس ماهوی برده استوار گردد. و اصولاً طرفت دهقانی کومه له به او اجازه چنین استتاری را نمی دهد!

حزب کومه له بسا
 خصمیات ویژه حاکم بر آن به عنوان صرات خوار شکست و احتسار خط ۳ در جنبش کارگری ایران نه تنها طبقه کارگر ایران را به طایفک حقیر طبقاتی کومه له الصاق نخواهد کرده بلکه عرصه را برای حرکت عظمی او حتی در درون جنبش انقلابی خلق کرد نیز هویجه تنگ تر خواهد نمود.

حزب کومه له، حزب دوران محافل در شرایط و آستانه تشکیل حزب طبقه کارگر است. حزب احیای سنت های سرده، در شرایط زندگی امروز جنبش و حزب شکست ها و پیدائندگی های ناگزیر حیوانات متعلق به خط ۳ در شرایط نباحم آشکار و تشکلهای پرولتاریا بر رز سرمایه است. حزب کومه له حزب هزاره از عملی گشتن واقعیت تغییرات بنیانی در ساختار اجتماعی و در تحلیل نهائی حزب دفاع از موجودیت اجتماعی اقتسار عقب مانده و مهجور جامعه گردستان است.

اگر احزابی از قبیل حزب کومه له در گذشته توانسته اند در صفحه ۲۶

۱۰) پنجم ماه عارفی بنا
چهل و ششمین سالروز شهادت
دکتر تقی ارانی یکی از چهره های
پروخته جنبش انقلابی و
کمونیستی ایران است. دکتر
تقی ارانی یکی از نخستین کسانی

و با بی برنسی و سخت جانی کامل
در تمامی برهه های جنبش انقلابی
و کارگری ایران صویبات بسیاری
ضریات خرد کنده بر یکسر آن
گشود است؟ آیا حزب توده اراده
ارانی بود؟ یا نه حزب توده

از صفحه ۳۰ بمناسبت چهل و ششمین سالروز

شهادت دکتر تقی ارانی

بود که در مالهای دیکتاتوری
صیاه رضاشاهی دست به سرریج
فرهنگ و بینش مارکستی زده،
با انتشار مجله ای بنام "دنیای"
تلاش نمود جهان بینی مارکستی
را اشاعه داده و آن را در بررسی
پدیده های اجتماعی به کار گیرد.
آثار باقی مانده از ارانی عمق
تلاش وی در این زمینه را آشکار
می سازد.

دکتر تقی ارانی در طی
دوران کوتاه فعالیت خود گروهی
از روشنفکران انقلابی را حول
فعالتهای انقلابی خود متکامل
ساخت و بعد از انتشار چندین
شماره از مجله "دنیای" همگی
آنها به همراه خود ارانی توسط
پلیس رضاشاهی دستگیر و به
زندان کشیده شدند. گروه
ارانی که به گروه پنجاه و سه نفر
صروف گشت، بعد از سقوط
رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ از
زندان آزاد شدند و حزب
توده ایران را در همان سال
ببینان نهادند.

دکتر تقی ارانی در جریان
بازجویی و محاکمات گروه
پنجاه و سه نفر رنجیده مقاومت
و پایداری بی نظیری از خود
نشان داد و نسبت به افشاکری
چهره صفور رژیم پهلوی زد و
بخاطر همین استواری در
اعتقادات انقلابی خود نیز توسط
جلادان شهربانی رضاشاه
به شهادت رسید و یادگار
جاودانه ای از مقاومت و پایداری
و اعتقاد تزلزل ناپذیر از خود
بر جای نهاد.

در سالروز شهادت ارانی
سلماً برای هو خواننده تکمیلی
این سوال می بایست مطرح باشد
که چرا گروه ارانی به حزب توده
ختم شد، آن هم حزب توده بنا
برنامه سالهای دهه ۲۰ حزبی
که تا امروز نیز ایورتونیسم
عریان آن هر روز عمیق تر گشته

تأثقه جدا یافته ای از ارانی
بود؟ اصولاً نقطه عزیمت ارانی
در تشکر و عمل چه بود و چه
باصخی به ضرورتهای جسم
دوران خود می داد؟

بدون تردید زمانیکه ارانی
بنیانگذاری یک مجله مارکستی را
بعنوان وظیفه کمونیستها
تشخیص داده و خود به انجام
این وظیفه اقدام نمود و هم
خود را صرف اشاعه مارکسیسم
ساخت، آنها هم در محدوده نظام
حاکم و با پذیرش چارچوبهای آن که
در دفعیات او بر اساس قانون
شرطه و فیهه منعکس است، بینان
چریکی را سرگذاشت که در شرایط
آن روز جنبش کمونیستی ایران
نه تنها اراده سنت های مبارزاتی
کمونیستی و کارگری ایران نبود.
بلکه کاملاً متضاد و فرسنگها
دور از آن نیز بود. دکتر تقی
ارانی زمانی به اشاعه مارکسیسم
از طریق ایجاد یک حقل تشویک
دست یازید که سالها قبل از آن
حزب کمونیست ایران بوجود آمده
بود و در براتیک مبارزاتی دوران
خود همچون جنبش کیلان و
فیهه شرکت فعال کرده برنامه
روشن و بسیار پیشرفته ای را ارائه
نموده بود، که فعالیت ارانی و گروه
او نه تنها در اراده جنبش
برنامه ای و حزبی نبوده، بلکه عملاً
و نظراً نسبت به فعالیت و وسعت
دیدگاه و عملکرد حزب کمونیست
بازگشت به عقب و به تشکلهای ماقبل
حزبی و صفلی نیز بود.

سازماندهی و تشکلی که دکتر
ارانی و حقل او ارائه کردند
اهدائی را که در پیشروی خسود
قرار دلاوه برنامه ای که آنها
برای فعالیت خود مطرح ساختند، و
در عمل به آن دست زدند، فاقد
ضمنین برخوردار کمیتی به
امر تشکلی طبقه کارگر و حرکت
در جهت رشد و ارتقاء مبارزات آن
سازماندهی و هدایت و رهبری
آن نبود.

ارانی و گروه او در شرایطی
بازگشت به محافل شوریک و انتشار
صرفاً یک مجله جلسی را به عنوان
تمامی فعالیت خود مطرح ساختند که
حزب کمونیست ایران با برنامه
روشن و مشخص خود نه تنها در هر چه
داخلی بلکه ضغاب یا براتیک
صلی خود در بین الطل کمونیستی
نیز فعالیت چشم گیری را پیش
برده بود، دارای نفوذ در بخشهای
آگاه طبقه کارگر ایران و تشکلات
کارگری در ایران بود که علیرغم
ضریات دیکتاتوری رضاشاهی هنوز
هم بعنوان یک نیروی بالقوه
مطرح بوده اگرچه ضریات پلیس
رضاشاه هر چه عمل آن را محدود
ساخته و ضریکس جنبش انقلابی
خود بخود بسیاری از زمینه های
عمل آن را در واقع از میان برد
بود، اما در همان روزهایی نیز
که ارانی و گروه او مشغول انتشار
مجله خود بودند و با بعد از
دستگیری آنها، چه در زندانهای
رژیم پهلوی و چه در بیرون از آن
و چه در سطح احزاب ضریکترین
هنوز حزب کمونیست ایران
بعنوان یک نیروی مبارز و
آشنی ناپذیر حضور داشت و
برنامه روشنی را برای هدایت
جنبش کارگری و انقلابی ایران
عرضه داشته که در طی دو کنگره
خود آن را تصویب و تثبیت نموده
بود.

در حقیقت ضمن و تشکلی
فعالیت دکتر ارانی متناسب با تمامی
مجموعه عوامل و شرایط روزگار خود نه -
تنها گامی به پیش نبود در مقایسه با
فعالیت حزب کمونیست ایران،
صدها گام به عقب بود. برنامه
ارانی و گروه او در مقایسه با
برنامه حزب کمونیست بی برتاگی
مضی و تشکلی آنها در مقایسه با
تشکلات حزب کمونیست، فاقد
هرگونه چهره مشخص مبارزاتی و
طبقاتی معین و در بهترین حالت
یک تشکلی روشنگری خسرده -
پورروائی بود. درست همانطور
که ضمن فعالیت آن در مقایسه
با ضمن فعالیت و جنبه های
برنامه صلی حزب کمونیست
ایران کاملاً غازی از هر گونه
عنصر پیشناز و اندیشه هدایت
و رهبری طبقه کارگر بود.

یک مقایسه کوتاه بین
اصول برنامه ای حزب کمونیست و
برنامه حزب توده در آغاز فعالیت
آن که عمده طهم از اصول
ارانی در این زمینه بود تفاوت
کیفی و اساسی بین دو برنامه
را آشکار می سازد.

ارانی

حزب کمونیست ایران در دوسم
کنگره خود (کنگره اروپایی در
سال ۱۳۰۷) می گوید :

" مهم ترین شعارهای حزب
کمونیست ایران در این دوره
باید تا بود کردن رژیم سلطنت
و استقرار جمهوری انقلابی
باشد . جمهوری انقلابی بایستی
با وسائل لازم اجرای وظائف زیر
را عهده دار شود :

(۱) حفظ استقلال و تمامیت
ایران در مقابل دول استعماریت
(۲) استحکام علاقه و دوستی
مابین ایران و اتحاد جماهیر
شوروی

(۳) سرودن امور و زمام
حکومتی بدست عناصر انقلابی .

(۴) محو و نابود کردن قلمی
بقایای فئودالیسم و تقسیم
زمینهای اربابی و بهره بیسن
دهقانین

(۵) استقرار کامل آزادی و
دمکراسی

(۶) وضع قوانین بپسرای
کارگران و حفظ حقوق آنها و
صلح کردن تشکیلات کارگران
و دهقانین و صنعتگران
(۷) وضع قوانین انقلابی که
با شدیدترین وجهی همه
اقدامات و کوششهای ضدانقلابی
را بپسرای استقرار اصول قدیم
محو و نابود سازد . (تاکید ها از ما)

پسینم حزب توده با الهام از
آموزشهای ارانی و دفاعیات او در
سال ۱۹۲۰ و در نخستین گامهای
آغاز فعالیت خود چه می گوید و چگونه
صن خواهد در افواج بحرانی بعد از
شهریور ۲۰ طبقه کارگر را
هدایت و رهبری کند .

" حزب توده نخستین شمار
مبارزه [خود را] طبقات
مشترک همه طبقات و قشرهای
آزادخواه در مقابل رجعت
دیکتاتوری اعلام داشت و برای

این منظور در نیکه راه هدف
خوش قرار داد [که به هم حزب
توده] می توانست خواست نیروهای
صمیمی را ضامن سازد :

(۱) بدست آوردن آزادیهای که
به موجب قوانین اساسی بپسرای
ملت ایران شناخته شده است ،
(۲) جلوگیری از ارتجاع و

استعداد به قدرت جمعی توده

ایران

در تدوین اصول سیاسی مرام
[حزب توده] نیز در بدو تأسیس
همین نظر طوطی شده است .
(۱) حفظ استقلال و تمامیت
ایران

(۲) برقرار کردن رژیم دموکراسی
و تأمین کلیه حقوق فردی و
اجتماعی از قبیل آزادی ، زبان
نطق ، علم ، عقیده و اجتماعات

(۳) مبارزه علیه هرگونه رژیم
دیکتاتوری و استبدادی

(۴) اصلاحات لازمه در طرز
استفاده از زمین زراعت و
بهبودی بخشیدن به وضع
زراعتی و دهقانان و توسعه
زحمتکش ایران .

(۵) اصلاحات اساسی در امور
فرهنگی و بهداشتی و برقراری
تعلیمات اجباری و معانیسی
عمومی و تأسیس استفاده توده
ملت از کلیه مراحل فرهنگی و
بهداشتی

(۶) تعدیل مالیاتها و
در نظر گرفتن ضایعه توده

(۷) اصلاح امور اقتصادی و
بازرگانی و توسعه صنایع و معادن
و وسائل حمل و نقل از قبیل
ایجاد و نگاهداری راههای شوسه
و تکمیل خطوط آهن .

(۸) ضبط اموال و دارائی
پادشاه سابق به نفع ملت ایران .

(عبدالصمد کاخچر ، نظری به
جنبش کارگری و کمونیستی
در ایران مجموعه مقالات -
تأکیدها از ما)

اگر قدری در شعارها و
اهدای برنامه ای حزب کمونیست
ایران و حزب توده ایران بحث
نمائیم و تفاوت اساسی بین آنها را
کاملاً درک می کنیم .

حزب کمونیست ایران در سال
۱۳۰۷ در دوسم کنگره خود از
" نابود کردن رژیم سلطنت سخن
می گوید و حزب توده بعد از ۱۳
سال در سال ۱۳۴۰ از " مقاومت
مشترک همه طبقات ... در
مقابل رجعت دیکتاتوری . "

حزب کمونیست در سال ۱۳۰۷
استقرار جمهوری انقلابی را
در صدر برنامه خود قرار می دهد
و حزب توده در سال ۱۳۲۰ از
" جلوگیری از استبداد و بدست
آوردن آزادیهای که به موجب
قانون اساسی بپسرای ملت ایران
شناخته شده است سخن می گوید .

حزب کمونیست در سال ۱۳۰۷
استقرار جمهوری انقلابی را
در صدر برنامه خود قرار می دهد
و حزب توده در سال ۱۳۲۰ از
" جلوگیری از استبداد و بدست
آوردن آزادیهای که به موجب
قانون اساسی بپسرای ملت ایران
شناخته شده است سخن می گوید .

حزب کمونیست در سال ۱۳۰۷
استقرار جمهوری انقلابی را
در صدر برنامه خود قرار می دهد
و حزب توده در سال ۱۳۲۰ از
" جلوگیری از استبداد و بدست
آوردن آزادیهای که به موجب
قانون اساسی بپسرای ملت ایران
شناخته شده است سخن می گوید .

" محو و نابود کردن قلمی
بقایای فئودالیسم و تقسیم
زمینهای اربابی بین دهقانان
وضع قوانین بپسرای کارگران و
حفظ حقوق آنها و صلح کردن
تشکیلات کارگران دهقانان و
صنعتگران وضع قوانین انقلابی
که با شدیدترین وجهی همه
اقدامات و کوششهای ضدانقلابی
را بر استقرار اصول قدیم محو و
نابود سازد . " را با قطعیت تمام
در صدر برنامه علمی خود قرار
می دهد و حزب توده در سال
۱۳۲۰ " اصلاحات لازمه در طرز
استفاده از زمین زراعت (و نه
ضایعه آن) و بهبود بخشیدن
به وضع زراعتی و دهقانان " تعدیل
مالیاتها " اصلاح امور اقتصادی
و بازرگانی " ضبط اموال و دارائی
پادشاه سابق (توجیه کنید فقط
پادشاه سابق نه دربار و همه
زمین داران) را راهنمای عمل
خود قرار می دهد .

فصلنامه علمی دو برنامه
پهنی برنامه حزب کمونیست
ایران در سال ۱۳۰۷ و برنامه
حزب توده در سال ۱۳۲۰ با در
نظر گرفتن رشد و فتیلاب مبارزه
طبقاتی در جامعه ایران بعد از
شهریور ۲۰ ، بخوبی آشکار
می سازد که گروه پیچیده و سه نفر
ارانی تا چه حد عقبگرد تاریخی
داشته اند و چرا هیچگاه نیز
حزب توده ایران توانست و
تسو توانست این عقب ماندگی
تاریخی را نه تنها جبران کند
بلکه هر روز و به تناسب از میان
رفتن شور انقلابی اولیه حاکم
بر این تشکله این عقب ماندگی
تاریخی به زوال حزب توده شتاب
هرچه بینتری بخشید .

بدینگونه است که اگر از
نقطه نظر ضروریات و سطح رشد و
ارتقاء مبارزه طبقه کارگر و سایر
جنبش کمونیستی در ایران به
داوری دربار فعالیت ارانی و
گروه او بنشینیم ، صفاً نمی توانیم
فعالیت گروه ارانی در دهه ۲۰
را یک فعالیت کمونیستی به مفهوم
خاص آن بپنداریم فعالیت در جهت
هدایت مبارزه طبقاتی طبقه کارگر
و ارتقاء سطح آگاهی و تشکیک
طبقاتی آن از بنیادین گیم و از این
جنبه به ارزش گذاری آن دست
پزیم . فعالیت ارانی و گروه او
فاقد چنین ضمنی بوده است ،
امری که در ادامه فعالیت گروه
ارانی و بعد از تشکیل حزب
توده ایران نیز از پیش خود را
در صفحه ۲۱

سزگاه بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۵۸، پیکر خونین رهبران خلق ترکمن، رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی در جسد پیروز گردیدند. آنجا در شب نوزدهم بهمن ماه یعنی ۱۰ روز پیشتر از آن، هنگامی که در نیمه شب و بعد از یک مذاکره طولانی با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی در ستاد مرکزی شوراهای دهقانی خلق ترکمن، عازم خانه های خود بودند، توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی رسیده شدند و بعد از انتقال به تهران، و بازجویی و شکنجه در زندان های آهن و سلطنت آباد بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیدند. رژیم جمهوری اسلامی جرات اعلام منعی جنایت هولناک خود را ندانست و بی غرضانه و صوریانه تلاش نمود، این توطئه جنایتکارانه خود را گمان کند. اما چهره کوبه و ضد انقلابی این رژیم رسواتر از آن بود که پسرده عوامش و تنه بر بنواند آنرا پنهان سازد.

رژیم جمهوری اسلامی بدنیال دستگیری توماج و دیگر رهبران خلق ترکمن یعنی از همان روز ۱۹ بهمن حمله وسیع و گسترده ای را به خلق ترکمن آغاز نموده، نخست به تظاهرات پادشور سياهگل حمله کرده، سپس با تمرکز نیروی نظامی به ستاد مرکزی شوراهای پورش آورده بود. و در جریان حملات خود با انبساط سلاح های سنگین خانه و کاشانه زحمتکشان خلق ترکمن را آماج حملات خود ساخته بود حتی بخش ترکمن نشین شهر گنبد را به سرراه ای صدل ساخته بود، هر چند نتوانسته بود هنوز اراده صلح توده ها فائق آید با ترور رهبران شوراهای خلق ترکمن سی خواست به اهداف ارتجاعی خود در منطقه جامه عمل بپوشانند. شوراهای خلق ترکمن از همان بدو پیدایش خود در روزهای نخست بعد از قیام مورد کینه و نفرت سرجمعین تازه به قدرت خفته بودند و در همان ماههای اول موجودیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی مورد وحشیانه ترین پورش آن قرار گرفتند و رژیم تازه به قدرت رسیده به نصاب خلق صلاح توده های صلح قیام کننده در شهرهای سراسر ایران در ترکمن صحرا نیز تلاش نمود با سرکوب شوراهای حاکمیت ارتجاعی خود را تثبیت نماید

درست به همانگونه که با برپائی جنگ خونین مستندج در نوروز سال ۵۸ به چنین اقدامی دست یازید.

بمناسبت شهادت فدائیان خلق، رفقا: توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

رهبران شورا های

خلق ترکمن



اما رژیم بدلیل حضور قدرتمند توده های صلح و انقلابی در صحنه دفاع از دستاوردهای مبارزات خونین خود علیه رژیم پهلوی نتوانست بر اهداف خود قائل آید و جنگ فروردین ۵۸ ترکمن صحرا با پیروزی خلق ترکمن پایان پذیرفت و این پیروزی وثیقه ای برای تحکیم قدرت شوراهای در منطقه گردید. قدرت شوراهای که تحت هدایت سازمانترکمن سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و اعضای فعال آن رفقا توماج و مختوم، واحدی و جرجانی قرار داشت به سرعت تمامی مناطق ترکمن نشین منطقه را دربرگرفت، زمین های درباریان و بزرگ زمین داران و وابستگان به امپریالیسم، با تمامی تجهیزات و مسائل تولید موجود صادره گردید و کشت شورائی و حفی در سرزمین ترکمن صحرا که اکثر مناطق آن دارای کشت مگانیسه بود، آغاز گردید و اتحاد زحمتکشان خلق ترکمن در تمامی عرصه ها به یک واقعت عملی صدل گشت و شوراهای به قدرت اداره کننده منطقه، سازمان دهنده تولید و اعمال حاکمیت سیاسی و اقتصادی و ... دهقانان زحمتکش منطقه

صدل گشتند. در طول حیات کوتاه این شوراهای، خلق ترکمن گام های بسیار بزرگ و ارزنده ای را به پیش برداشت توده ها صلح گشتند، خود به رتق و تقق امور خود پرداختند و بر بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی قلبه کردند.

پشتوانه حضور عظمی این شوراهای در ترکمن صحرا بدین تریب قدرت انقلابی توده ها در سراسر ایران و حضور فعال سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بعنوان قدرتمندترین سازمان سراسری و دفاعی توده ها دستاوردهای انقلابی توده ها بود. بدین بود که رژیم جمهوری اسلامی بدین قلبه بر این پشتوانه عظیم سراسری و بسط و گسترش قدرت ضد انقلابی خود در سایر مناطق ایران به راحتی قادر به پورش همه جانبه دیگری به ترکمن صحرا نبود. همانطور که شکست پورش فروردین ۵۸ رژیم به ترکمن صحرا نیز علاوه بر مقاومت قهرمانانه خلق ترکمن ریشه در چنین واقعتی داشت.

اما در ۱۹ بهمن ماه ۵۸ توازن نیروی گذشته وجود نداشت رژیم در سرکوب شوراهای کارگری، در خلق صلاح توده ها، موفقیت هایی بدست آورده بود و علیه رژیم شکست پورش خود به سردستان انقلابی با دست زدن به یک مانور سیاسی و اشفسال سفارت آمریکا شکاف عمیقی را در این زمین ایجاد نموده، بوضع توهیات ناشی از این حرکت خود، صوار گشته بود. اقدامی که رژیم در مهم ترین نیروی مخالف رژیم یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران نیز شکاف ایجاد نموده، بخش از رهبری سازمان را یعنی اکثریت کینه مرکزی را به دنیال روی از سیاستهای رژیم کشانده بود و تردید و تزلزل و نهایتاً اقتضاع از هرگونه مقابله جدی با رژیم را به سیاست این بخش از رهبری سازمان صدل ساخته بود، امری که در واقع انعکاس خود را در سیاست های حیوانانهای آشکار می ساخت که نخستین قربانی آن شوراهای خلق ترکمن و رهبران قهرمان آن بود و در حقیقت زمانی که رژیم جمهوری اسلامی پورش مجدد خود به شوراهای خلق ترکمن را آغاز کرد، علیه رژیم ایستادگی پر قدرت توده های زحمتکش در تمامی عرصه ها، بی سیاستی رهبری در صفحه ۲۷

فلسفی انقلابی و پسرولتری سازمان
در شاخه را با آخرین نبرد حماسی
خود، سجل ساختند.

فرماندهی این عملیات
شهرانه را، رضی سعوردهتی،
عضو سازمان چریکهای فدائیی
خلق ایران، عضو کمیته کردستان
و از قاطعترین مخالفان فلسفی
حاکم بر شاخه در آن زمان، عضو
کمیته نظامی شاخه کردستان، و
یکی از حضورترین و برصتهترین
فرماندهان نظامی سازمان بود
کردستان سرعیده داشت و
بسیاری از افراد تحت فرماندهی
اونهمز همیون رفیق علی نوردی
عضو شورای فرماندهی، حسن
محفظ پوره، هیدرو... از
شجاعترین پیروان شاخه
کردستان بودند.



در دومین سالگرد شهادت
این رشده، بهتیمیم با آموزش
از قاطعیت، بیگیری و شجاعت
انقلابی آنان، خاطره شان را گواهی
داشتند و با تمامی وجود، بر آنچه
که آنان با خون خود و با تمامی
وجود خود به دفاع از آن
برخواستند، پای فشاریم.



گواهی یاد

یاد و خاطره شکوهمند شهدای ۲۳ بهمن ۶۱

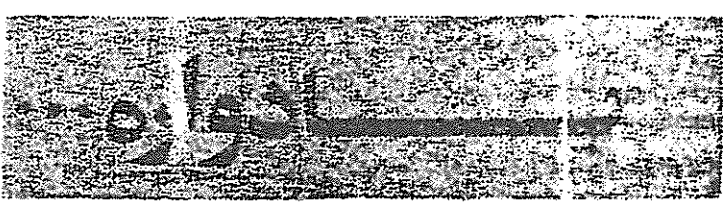
و مقامی که این ملتزوران در
عذر انتقال بخشی از غنائم
جنگ بدست آورده بودند، در
محاصره وسیع و گسترده مزدوران
رژیم تسلل گرفتند، و مابقی با
مقابله با آنها برخاستند و
حماسه ای دیگر بر حلقه های
خونین سازمان افزودند.

آنها با تعداد اندک خود
در مقابل یورش فزاینده مزدوران
که تعداد آنها بیشتر از
۱۵ تا ۲۰ تن طراز مرتزبان
ملج به انواع واقسام اسلحه های
سنتین و گالیبر ۵۰ بودند،
ایستادگی کردند. نه تعداد
بیشتر مزدوران و نه آتش
سلاحهای سنگین پایگاههای
اطراف هیچکدام نتوانست
اراده و عزم آهنین و ایمان
خلک تابندگی آنها به ارمان هایشان
غلبه نماید بلکه بر عکس آنها را
هرچه بیشتر به سوی یک نبرد
سرفروخت، رهنمون ساخت و تلاشهای
غیث مزدوران را، که درمیداد
بودند آنها را به تسلیم واداشته
و دستگیر نمائید، با شکست روبرو
ساخت. آنها طی این نبرد حماسی
یکبار دیگر وفاداری به آرمان
توده های زنجشک و عهد و پیمان
خونین کمونیستها را با کارگران
و زنجشکشان تجدید نمودند و
بار دیگر زینتی و ناتوانی رژیم را
در مقابله یا غرق راسخ سازمان
راه رهائی، آزادی و مساوات
به اثبات رسانیدند.

شهادت قهرمانانه پیازده
بیشترک دلیر فدائیی در ۲۳
بهمن در یکی از حساسترین
لحظات حیات شاخه کردستان
سازمان چریکهای فدائیی خلق
ایران و درمت در لحظات
روباروئی قطعی با خط و فلسفی
لیبرالی حاکم بر شاخه کردستان
صورت گرفت. و شهدای ۲۳ بهمن
نه تنها رژیم جمهوری اسلامی،
بلکه شب لیبرالیسم در شاخه
کردستان را نشانه گرفته بودند
و قاطعانه می توان گفت آنها
بمنویان بیشتران مبارزه درونی
تشکیلات، احیاء و تثبیت خط

روز ۲۳ بهمن در محیبات
شاخه کردستان یک روز فراموش
ناشدنی است، در ۲۳ بهمن
بازده فدائیی خلق با قوسمزم
اراده ای آشکار در مقابل دشمن
کارگران و زنجشکشان ایستادند و تا
آخرین گلوله و آخرین نفس به
نبرد حماسی خود ادامه دادند
و با تشار خون خود، عزم و اراده
آهنین خلق کرد را بر پهنه
خونین کردستان یک بار دیگر
حک نمودند. اما اهمیت ۲۳ بهمن
تنها منحصر به این جنبه از
مبارزه ملتزوران پاکبخته این
نبرد حماسی نبوده و نیست،
فدائیانسی که در این نبرد رهاوری
بسرورضیدانه جان باختند، قبل
از همه در مقابل لیبرالیسم
درون تشکیلات شاخه کردستان
ایستاده و با آن تویه حساب
قطعی نمودند و با تمامی وجود
خود، سرک قطعی خط و فلسفی حاکم
بر شاخه را سجل ساختند، و
با خن خود، زمین را زیر پای
آن صحت نمودند. قهرمانان
این نبرد حماسی که خسود از
بختنازان مبارزه علیه لیبرالیسم
و مدافعان سرخست خط و فلسفی
انقلابی سازمان بودند در این
روز تاریخی، در حقیقت نه تنها
قدرت و اراده آهنی ناپذیر
خود در مقابل رژیم جمهوری
اصلاحی بلکه در مقابل هرگونه
انحراف سوزوئی و خرده بورژوازی
در درون تشکیلات را نیز به صفت
مظهر رساندند.

عملیات شجاعانه ۲۳ بهمن
در ادامه یک رشته عملیات های
گسترده و در ادامه ده روز جوله
سیاسی - نظامی بیشترگان فدائیی
برای بزنگذامت حماسه میافکند
و خاطره شکوهمند تمام بهمن
توده ها، صورت گرفت. این
عملیات در حقیقت پایانی این سلسله
تهاجمات بیشترگان فدائیی به
مزدوران رژیم در محور حصار
سوز-پهکان بود که در طی آن
بیشترگان ضریات کاری بودند
و از آورده بودند و درصفت
در لحظات پایانی سرگسری و



★ فدائی شهید رفیق سعود رحمتی از صفحه ۳۰

رفیق سعود در مهر سال ۱۳۳۳ در روزهای "یورقیل" از توابع صقز دیده به جهان گشود. سعود از همان اوان در محیط اجتماعی زندگی با درد ورنج و فقر زحمتکشان آشنا گردید و در تمام زندگی برای چاره آن تلاش نمود و جان خود را وقف این تلاش نمود. سعود پس از اتمام دوره تحصیله به تهران رفت و به آموزشگاه گروهبانیسی ارتش راه یافت، اگرچه در درون ارتش به یک گادر ورزیده و لایق تبدیل شده بود و امکان ارتقاء و پیشه برایش مهیا بود اما زندگی و کار در درون ارتش ضد خلقی برایش قابل تحمل نبود. رفیق که طبیی آکنده از مهر و علاقه و عشق به توده های زحمتکش داشت نمی توانست در درون سیستم ارتش به یک مبره گوش به فرمان تبدیل شود.

رفیق سعود قبل از آغاز قیام برای مبارزه علیه دشمنان خلق و سیستم حاکم بر ارتش در صفوف پرسنل انقلابی درون ارتش به مبارزه برخاست و بعد از قیام با جمعیت گروه های قییم سرکز همکاری نمود و از این رهبر بود که در سال ۵۸ در ارتباط سیستماتیک با سازمان قرار گرفت.

رفیق در جریان اولین پیورش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به کردستان، با ابتکار انقلابی خود در اقدام به تشکیل هسته های درون ارتش نقش ارزنده ای ایفا نمود. همچنین در سازماندهی تحمیل آرتشیان در یادگان صقز و شرکت فعال در مبارزات علیه رژیم در یادگان تلاش می نمود. همچنین آسپوز بلگر سرد و به همین دلیل نیز دستگیر و زندانی گردید و حکم اعدام او توسط خلخالنی جلالت صادر گردید. اما اختیار و نشنوندن او در درون سازمان و پرسنل انقلابی ارتش که با اعتراض و دخالت خود مانع از اجرای این حکم گشتند اقدام رژیم را ناکام گذاشت.

رفیق سعود با پشتکار و پیگیری و عشق و علاقه به رهائی زحمتکشان به مبارزه خود ادامه می داد تا اینکه رفیق را به یادگان سرپان انتقال دادند. سعود در یادگان سرپان به اقدامات انقلابی خود ادامه می داد اما توان و انیسوری و فعالیت او بعدی بود که در این محیط نیز نمی توانست خود را قانع نماید که در آنجا و در صفوف پرسنل انقلابی ارتش باقی بماند ناچاراً طبق رهنمود سازمان به صفوف پیشمرگان رزنده فدائی پیوست و در تمام عملیات پیشمرگان علیه سرکوزگان خلق کرد فعالانه شرکت نمود. سعود بعد از اشغال و رد خطا خائنانه اکثریت با انیسوری و پشتکار و پیگیری بیشتر از پیش به احیاء و سازماندهی تشکلات پیشمرگه در خنوب کردستان همت گماشت و با تمام توان در مبارزات خلق کرد شرکت نمود. رفیق در یک درگیری جسورانه با مزدوران رژیم در کلهوژری فرودگاه صقز از زانیه چشم و سینه زخمی شد. یک چشمش را از دست داد. در تمامی زندگی مبارزاتی خود، سعود شایستگی و کارآمدی فوق العاده ای در مبارزات بیرونی و درونی تشکلات از خود آشکار ساخت و در مقابل گرایشات انحرافی ایستاد و به دفاع از سنن انقلابی سازمان پرداخت او در سال ۶۱ با قاطعیت و پیگیری هرچه بیشتری در مقابل گرایشی لیبرالی حاکم بر شاخه ایستادگی توان گفت با قاطعیتی که از خود آشکار ساخت سرچشمه اصلی مبارزه علیه لیبرالیسم در شاخه گردید و نهایتاً جان خود را نیز وقت آن نمود.

رفیق سعود سبیل اخلاق و خدائات انقلابی بود. شخصیت خلایق، پیگیری و جرات انقلابی او همیشه سر مشق ارزنده ای برای رفیقهایش بوده است. رفیق سعود با آخرین عملیات خود در روز ۲۳ بهمن ۱۳۶۱ که

به ضامیت رستاخیز سیهانگ و قیام شکوهند ۲۲ بهمن طرح و اجرا نمود نه تنها قلب مزدوران رژیم بلکه لیبرالیسم حاکم بر شاخه را نشانه رفت و در این عملیات دلیرانه و حماسی با شجاعت و قهرمانی تا آخرین لحظه جلوه دشمنان خلق جنجید و قلب پراز مهر و بزرگ او آماج گلوله های مزدوران قرار گرفت و از طیش باز ایستاد و با غرور و سرافرازی یک فدائی خلقی به شهادت رسید.

در سالروز شهادت او پشتکار و پیگیری و قاطعیت کمونیستی و ایمان به آینده روشن کارگران و زحمتکشان را از سعود بیاموزیم و بگوئیم همچون صمد در مقابل تمامی مشکلات بسا براده ای آهنین با پیوستن و راه آینده پیروزند کارگران و زحمتکشان را با تلاش خستگی ناپذیر خود هموار سازیم.

★ فدائی شهید رفیق

علی نوذری

رفیق علی در سال ۱۳۴۱ در شهر صقز دیده به جهان گشود. او با روح گسری مبارزات شکوهند توده ای که ضربه قیام بهمن گردید به فعالیت سیاسی رو آورد و در تابستان ۵۸ برای گسترش مبارزه اش و حضور در صف مقدم آن سلاح بردست گرفته و به صفوف پیشمرگان رزنده خلق کرد پیوست. علی بدنیال عقاب تشینی رژیم برای ادامه تحصیل به مدرسه باژگشت و بار دیگر در این سنگر با ادامه فعالیت خود در افشاء چهره کریمه رژیم و دفاع از حقانیت جنس انقلابی خلق کرد به کار آگاهگرانه پرداخت. طی این مدت یک بار او توسط مزدوران دستگیر و پس از مدتی آزاد شد که از آن پس به پیشمرگان حزب دمکرات پیوست.

علی با روحیه ای سرشار از آزادی و مبارزهجویی در جنبش انقلابی خلق کرد رزید و یک لحظه در حقانیت راه پرشکوهی که دنبال کرده بود دچار تردید نگشت لیکن او در جریان زندگی واقعی و مبارزه بیاروی آشوبت که برای تحقق آرمانهای انقلابیست که همانا آرمان کارگران و زحمتکشان

فدائی شهید رفیق علی

بود باید مراحل دیگری را طی نماید و فرصه های پیشتری را بسازد تا برای این قبل از همه در ارتقاء آگاهی سیاسی خرد کوشید و با شناخت از مواضع نیروها سازمان را برگزید و از نقطه بیعتن تا لحظه ای که در میان مقاومت حماسی رفیقان خود آماج گلوله مزدوران قسری گرفت و به خاک افتاد مدام در ارتقاء آگاهی و کارآییهای نظامی اش کوشید و با جدیت و پیوستگی خاص خود به یکی از برجسته ترین پیشمرگان سازمان مبارز گنت و تا سطح فرماندهی نظامی - حضرت در شورای نظامی و کاندیداتوری عضویت در سازمان ارتقاء یافت .

★ فدائی شهید رفیق حسن محمد پور

رفیق حسن سال ۱۳۴۰ در شهر سقز متولد شد و تحصیلاتش را تا پایان دوره متوسطه ادامه داد .

حسین طی مدتی که در صفی پیشمرگان سازمان علیه نیروهای سرکشی جمهوری اسلامی جنگید همواره نمونه یک رفیق پر شور و با لیاقت فدakar و وفادار به آرمان سازمان و رزمیده خستگی ناپذیر راه رهائی مستمکنان از قید و بند سرطانی داری و فقر و استثمار بود . این را حسن بارها در جریان عمل و فرصه های مختلف سازمانی با ثبات رسانید . از همین رو نیز بر از اینکه سرافرازانه مراحل سخت را پشت سر گذارد و صلاحیت و قابلیت های خود را آشکار ساخت توانست سطح معاونت فرماندهی دسته های عطیاتی پیشمرگان فدائی و عضویت در شورای نظامی ارتقاء یابد .

تصاریف نزدیک او با زحماتکنان بسیاری از خصائل شجاعت و تودای را در وجودش پرورانده بود بطوری که همیشه بسیار از حاضرین های شورانگیز صحبت و گریه رفیقانه اش در برخورد با زحماتکنان و همسرگزاران فدائی می سازد .

حسن که خود فرزند راستین زحماتکنان خلق کرد بود تا به آخر با تمامی توان برای رسیدن به اهداف و آرمان کارگزاران و زحماتکنان در صفوف سازمان جنگید و جان خود را فدای راه سرخس نمود که قدم گذاردن در آن مستلزم وجود اراده ای قوی و عزیزی آهنین می باشد چیزی که حسن بعد از آن برخوردار بود .

خاطرهاتر حاوران یادش گرامی باد !

کوردی بر روی و خم مبارزه علی را آنچنان آبدیده کرد و دریافت و خیز خود بر آن صیقل زد که از او عنصری سرخس بیگم و قاطع ساختند بود و او را از تمامی خصوصیات یک فرمانده کمدتست ساخته برخوردار کرده بودند .

علی در برخورد به خط مشی لیسرالی حاکم بر شاخه سازمان از خود جدیت زایدی نشان داد و برای زدودن آن از بیگمگی تشکیلات بیستابیش دیگران تلاش می ورزید . علی در عطیاتی ۲۳ بهمن خون خود را وقفه تحکیم خط مشی انقلابی سازمان در شاخه و رهائی کارگزاران و زحماتکنان نمود . یادش گرامی باد !

★ فدائی شهید رفیق اسعد پور دانی

رفیق اسعد، فرزندی شایسته خلق کرد زحمتکن آگاه و پیشمرگه فدائی بر سال ۱۳۳۹ در روستای قنبر زنده توخان آباد بخش سروآباد سرپون متولد شد . او از همان ابتدای کودکی زندگی اش با فقر و صیه روزی آغاز گردید و بدلیل محدودیت های مالی خانواده کسی از سر و پیشای پیشمر رنج می برد . با این وجود از خود علاقه زیادی به تحصیل نشان داد و میسرور شد برای تأمین مخارج تحصیل جبران ضیق مالی خانواده زحمتکنش خود ضمن تحصیل به کار نیز می پرداخت .

قیام بهمن شاهد را به خیل مبارزان خلق کشانید و او نقش فعالی در جریان سازماندهی دانش آموزان و توده های مردم ایفا نمود . و پس از سرنگونی رژیم شاه در ارتباط با سازمان بنابر پرداخت در رشته نظامی و سیاسی انقلابی سازمان در پیوستن

زحمتکنان با رزمه ای رضار از شور انقلابی مدام فعالیت نمود تا اینکه در سال ۱۱ شناسایی و دستگیر گردید که بهر از تحصیل شکنجه و آزار توانست با همجواری انقلابی در حفظ اصرار خود از جنگ مزدوران جان سالم بدر برد . مزدوران او را از دبیرستان اخراج و از ادامه تحصیل محروم ساختند و بعد از مدت کوتاهی مجدداً برای بازداشت او اقدام کردند که این بار شاهد یا اراده خصل ناپذیر خود تلاش آنان را بی ثمر گذاشت و به تهیه تشکیلات به پیشمرگان فدائی پیوست

تا اینکه در آگاه ۲۳ بهمن در حال که آخرین گلوله هایش را به قلب مزدوران رژیم نشانید می رفت در صحنه خونین عطیاتی در میان رگبار گلوله و انفجار آبرو سازه جان باخت .

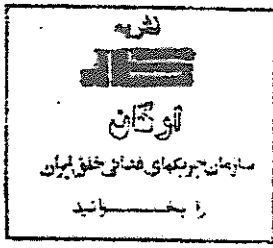
یادش گرامی باد !

★ فدائی شهید رفیق محمود امین زاده

رفیق محمود امین زاده در سال ۱۳۴۵ در یکی از خانواده های زحمتکن روستاهای حومه سقز متولد شد . محمود پیشمرگه ای جوان بود که زندگی گوناگون تصاحب در

گسترش با فقر و گرسنگی صبری گذشته بود او که در خانواده های فقیر زندگی می کرد از دوران جوانی در محروم گنت و تسامت بیشتر از حد مسائل به مدد می سرود .

ناچار گنت تمام وقت خود را صرف کار برای امرار معاش خانواده نمائید . او میسرور توده های خلق در سرنگونی رژیم شاه شرکت جست و پس از سرنگونی رژیم شاه شاهد بود در صحنه ۲۲



★ فدائیان شهید رفیق

مراد میرزائی

رفیق حیدر، پیشمرگه آگاه در سال ۱۳۳۸ بر تخت بمطام ایلام تولد یافت. او همسر از پایان دوره تحصیلات متوسطه اش به کار مصلی در روستاهای اطراف گرمناشاه اشتغال یافت.

حیدر در جریان مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ نقش بسزایی در روشنگری توده های مردم و افشای چهره ظفور رژیم شاه ایفا نمود

و خود نیز در فضای تجرد و ارتزاق آگاهی میاسی و کمونیستی کوشش فراوان نمود. رفیق حیدر در ادامه حرکت انقلابی خود و برای تداوم هدفش آن به سازمان پیوست و فعالیت خود را در این سنگر ادامه داد اما طولی نگذشت که به علت فعالیت و تحرک انقلابی از سوی رژیم شناسائی و مجبور به ترک محل زندگی خویش گشت. برای ادامه مبارزاتش به صفحای پیامرگان فدائیان پیوست. حیدر در جمع همزمان خود همواره چهره قابل و نمایان بود و در روزهای حسی خصوصیات

بازری را از خود نشان میداد که هر کدام از آنها با جدایت خاصی در پیوستن و ارتقاء روحیات جمعی مشغول واقع می گشت.

او رفیقی صمیمی، محراب و بیگانه بود و با بحثی و توانائی شایان توجهی به طایفه سازدانی خود بسجورد می کرد و همواره برای پیشبرد امر سازمان از خود فداکاری و تلاش خستگی ناپذیر نشان میداد که سرانجام نیز در سنگر پر افتخار سازمان که از اعضای تیب گشت بدان عشق می ورزید، بخاک آفتاب و جهان باخت. نامش جاوید و یادش گرامی باد!

★ فدائیان شهید رفیق

فریدون بانهای

با سازمان قرار گرفت و از آن به بعد فعالیت تشکیلاتی اش را در سنگر سازمان حزبکهای فدائیان خلق ایران ادامه داد. بعد از انشعاب جریان مسوم به اکثریت و خیانت آنها به انقلاب و مبارزات برجسته خلق کرد. رفیق فریدون پیشگام و سرخشان با صوابی آنها مبارزه کرد و از جناح انقلابی سازمان به دفاع پرداخت. رفیق فریدون که هنوز تحصیلش را به پایان نرسانده بود سرکوب و ظلم و فشار رژیم ارتجاعی

جمهوری اسلامی برایش تحمل ناپذیر بود و تصمیم گرفت به صف پیشمرگان فدائیان پیوسته.

او رفیقی سرسبز و بیگانه بود و در انجام وظایفش از هرمن بالایی برخوردار بود و از همین رو بعد از اینکه به صفوف پیشمرگان سازمان پیوست تا لحظه شهادت با عشق عمیقی نسبت به کارگران و زحمتکشان یکدم در حقانیت خط و منی و آرمان سازمان تردید نکرد و جان خود را فدای راه سرخ آن نمود.

یاد و نامش جاوید باد!

★ فدائیان شهید رفیق

ابراهیم کردی

رفیق ابراهیم کردی در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده زحمتکش روستایی در منطقه داشکستان متولد شد. او بدلیل تنگدستی نتوانست مدت زیادی به تحصیل بپردازد و زندگی اش در فقر و صکنت گذشت. بعد از قیام در جریان مقاومت توده های خلق کرد علیه یورش مزدوران به کردستان برای کمک رسانی به سازمانهای انقلابی و یاری رساندن به پیشمرگان تلاش زیادی از خود نشان داد. ابراهیم برای کار راهی تهران شد و در آنجا به کارگری پرداخت تا اینکه پس از ۳ خرداد ۶۰ طی برخورد با افسران حزب اللهی توسط سپاه پاسداران دستگیر و به مدت ۱۱ ماه به زیر شکنجه کشیده شد. رفیق در مدت اسارت برکنده و نقرت خود نسبت به حاکمیت

جمهوری اسلامی افزوده و تصمیم گرفت بعضی از آنرا به کردستان بفرستد و در مشورت پیشمرگان سازمان علیه مزدوران رژیم بچنگد.

در مدت کوتاهی که او در کنار پیشمرگان فدائیان در حرکت بزرگ بسیاری - شامل مبارز انقلابی از خود شدن داد بحروری که بزرگی زد بود. رفیقان خود گشتند. رفیق ابراهیم در طی عملیات پرتکوه ۳۳ بهمن با گروهی از مزدوران درختن خود غلبید در جان باخت. یادش گرامی باد!

- برعکس بلکه جمهوری اسلامی هرچه بیشتر بر ایستاد آنها افزوده است.

محمود برای ریشه کن ساختن، ظلم و ستم و تشر و بدبختی تصمیم گرفت به صفوف پیشمرگان خلق کرد پیوستد. او به سازمان ما روی آورد و در کنار پیشمرگان فدائیان تنه خود جزم کرده تا آخرین نفس علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری بزرگد او در جریان عملیات ۲۳ بهمن توسط مزدوران رژیم و دشمنان کارگران و زحمتکشان سرکالی که تهرسانانه می چنگیدند بالایی برکنده نسبت به سرمایه داران و حاکمان مستقیم بر راه خود استوار ایستاد و سرش را خود غنطید و جان خود را فدا کرد.

از صفحه ۲۱

فدائیان شهید رفیق

محمود

که نه تنها باز هم ظلم ستم و استعمار از زندگی توده های زحمتکش رخت

یادش گرامی و حافظه اش جاوید باد!

★ فدائی شهید رفیق خر رضائی

رفیق خر رضائی (جعفر)
در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده
زحمتکش در شهر خلخال فولاد
شد. تحصیلاتش را در شهر های
خلخال، تبریز و تهران گذراند.
رفیق در جریان قیام پهمن ۵۷
در نبردهای خیابانی فعالانه شرکت
کرد. پس از قیام جعفر بسا
سازمان آشنانگت و در ارتباط با
سازمان به فعالیت پرداخت.
فعالیت های رفیق چنان وسیع و
گسترده بود که بارها در تبریز
توسط مزدوران رژیم دستگیر شد
ولی به دلیل عدم وجود مدارک
کافی منی بر تماس او با سازمان
هویار با عیشیاری و زهرکی خاص
خود از چنگ مزدوران رژیم
نجات می یافت.

جعفر در جریان انصباب
بدلیل ضيقه طالی از تبریز
به تهران رفت و همین مسئله
رفتنش به تهران باعث شد که
تماسش با سازمان قطع گردد. اما
جعفر مانند هر فدائی دیگر با
ایمان خلل ناپذیر خوشتر به
صافه و سازمانش، موفق گشت
دوباره با سازمان تماس بگیرد.

بعد از مدتی رفیق



★ فدائی شهید رفیق پهنام

قاسم زاده رضوی

رفیق پهنام یکی از رزندگان
عملیات ۲۲ پهمن در سال ۱۳۴۷
در شهر باسل در خانواده ای
زحمتکش تولید یافت. آغاز فعالیت
و صافه او هادی با گذرش

ناچاراً تهران را ترک نمود و
تصمیم گرفت برای ادامه فعالیت
انقلابی به صف پیشمرگان سازمان
در کوردستان بپیوندد.

در کوردستان مدتی در صف
پیشمرگان حزب دمکرات پیوسته
فعالیت پرداخت تا اینکه پس از
مدتی با سازمان تماس گرفت و به
صف پیشمرگان فدائی پیوست.
جعفر در چندین عملیات
نظامی همراه پیشمرگان تهران
فدائی شرکت نمود. سرانجام در

★ فدائی شهید رفیق

اسماعیل پروگر

رفیق اسماعیل فسررتند
زحمتکشان کوردستان در روزهای
" قسریا " از توابع یوکان دیده به
جهان گشود دوران ابتدائی را
در همان روستا به پایان رسانید
و برای ادامه تحصیل به یوکان
رفت. رفیق که در یک خانواده
زحمتکش روستائی به دنیا آمده
پوره از همان اوایل زندگی در
ورج را با گوشت و پوست خورد
لمس نموده بود. در طی دوران
تحصیلات راهنمایی بود که رفیق
مادرش را از دست داد. شور
انقلابی او در شرکت فعالانسه

جنشز توده ای غلبه رژیم شاه و
قیام ۲۲ پهمن بر رفیق پهنام
پس از قیام در قائم شهر با رفقای
سازمان در تماس قرار گرفت و با
دست زدن به کار تبلیغی و ترویجی
و طرح مواضع انقلابی سازمان
در بین توده های زحمتکش
پرداخت.

پهنام در جریان انصباب
خاتمین اکثریتی به مقابله با
آنان برخاست و به دفاع از خط و
ضی انقلابی سازمان پرداخت.
و با تماس تزن و شوروی انقلابی و
ایمان به پیروزی کارگران و
زحمتکشان برای پیشبرد خط ضی
انقلابی سازمان تلاش ورزید. او طی
دوره فعالیت غلبی خود در یک
پورش خیابانی در سال ۵۹ توسط
پاسداران مزدور دستگیر و پس از
مدتی آزاد گردید.

پس از پورش صرافری جمهوری
اسلامی به سازمانهای انقلابی

عملیات جاده مقرز یوکان کنسه
بخصیبت سالروز حماسه میاهنگ
و قیام ۲۲ پهمن تدارک دیدند
شده پیوره دلیرانه تا آخرین گوله
با دشمنان آزادی و کارگران و
زحمتکشان جنگید. و حاضریت
تسلیم در برابر مزدوران نشد و
قهرمانانه با انفجار تارنچک خود
تعدادی از مزدوران رژیم را به
هلاکت رساند و جان خود را نیز
فدائی رهاغی کارگران و
زحمتکشان نمود.
یادش گرامی باد!

برای سرنگونی رژیم پهلوی نقطه
بخت و برای ادامه صافه غلبه
دشمن خلق و رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی صافه را در
صف پیشمرگان فدائی یافت.

رفیق اسماعیل از امفند
ماه ۶۰ در جنگ سازمان و در
جمع پیشمرگان قرار گرفت و در
بیماری از عملیات های نظامی
سازمان در کوردستان شرکت
جست تا سرانجام در عملیات
حماسه آفرین ۲۲ پهمن در نبردی
شجاعانه قطرش آماج گلوله
مزدوران قرار گرفت و زندگی
کوشاگر را وقف رهاغی کارگران
و زحمتکشان نمود.
یادش گرامی و
راهش پر رهرو بساز!

رفیق پهنام برای پیشک دوره
آموزشی به کوردستان آمد تا با
شرکت در دوره های آموزش نظامی
سازمان و ارتقا توانائیهای خود
فراگیری آموزشهای سیاسی -
نظامی هرچه کارآمدتر صافه
انقلابی را ادامه دهد.

پس از مدت کوتاهی رفیق
پهنام در صف پیشمرگان فدائی
قرار گرفت. او طی نخستین
عملیات نظامی خود در سنگرهای
کوردستان در محاصره انبیه
مزدوران رژیم از خود مقاومتی
خاص نشان داد و سرانجام با
شدت آتش مزدوران هدف گلوله
قرار گرفت و جان خود را شوقه
رهاغی کارگران و زحمتکشان
ساخت.

یادش گرامی باد!



گرامی باد یاد شهدای به خون خفته خلق



به بونه ی بیره وه ری له شه هیدانی شه مامه خولقینی ۲۳ رتبه ندانی ۶۱ شه هید مامه سعور و هاورری یانی

سامسوارانی ریگای تیگوشان

هه ستیک له نه روین دابه هه ستیک که له سهر یه ک بروابه برزای گرتنی توله سوئی تو و نه وانی وهک تو بوین

وهک تو وانی وهک تو گرتیانه بر ریگای شه هیدان

چالاکتی تان نوونز له دور مه یدان به خه بات له گه ل بر به هه زاران هاوکاتیر له گه ل خووالیه کان نه وانی که بو ده سه لاتیان سووریان کرد ده ستیان به خوینی ئالتان

بهلام نه ی پینره وان سامسوارانی ریگای تیگوشان شه هیدانی ری به ختاری که لان به سوور بوین له سه ر برزای بیرونتان کرونستان هینا به هه ل په رستان

دیسان توله وگرتنی توله به برزای به جهک شه گرتنی توله

بروامان ریگای سووری که له دریه ی شه مامه ی سیاه که شهرتنه ری شه سیرالیزه وه نی هینه ری سوسالیزه

سویندستی خوینه ویسته کان شه هیده کانی مانگی رتبه ندان تیسه گشت هاورری بان به دریه داتی ریگای بیرونتان شه لاین

هه ر شه کاره بی ئالاکه مان تالای سووری فیدائیان بو نه ناو برینی کوله داران بو ده سه لاتی ره حه تکیشان به کورتکی کریگاران به داسی جوتیاران

(سه نگار)

آشکار ساخت . تشکیل حزب توده هرچه بیشتر روشن نمودگانه دیدگاه حاکم بر این محفل و گروه او از جهات عمده همین طبقاتی برخوردار بوده است . درحقیقت تفکر حاکم بر این گروه تنها زمانی که گام به حوزه عمل نهاد و در حزب توده ایران به عمل آمد از شهریور ۲۰ تجسم یافت بهرآنکه طایفه خود را آشکار ساخت و در سیر طبیعی خود جایگاه طبقاتی همین خود را باز یافت و در روند حرکت خود بنام طبقه کارگر سیر شکل طبقه کارگر و اهداف آن در مبارزه طبقاتی صحنه مبارزات مسلحانه را وارد نمود .

امروز به جرأت می توان گفت دوران فعالیت گروه ارانی و ادامه آن در حزب توده ایران درحقیقت دوران بازگشت بسد تشکلهای غیر حزبی و قدرت طلبی در جنبش کمونیستی ایران و حاکمیت تفکر غیر کمونیستی و تمایلات اپورتونیستی خسرو بود روزوانی و بود روزوانی بود جنبش کمونیستی ایران و دوران گشت از نخستین شکل کمونیستی و برنامه کمونیستی در ایران است . دورانی که بدون شک اولین حیوانه های آن را باید در همان

از صفحه ۱۷

ارانی

آغاز راه گروه ارانی جستجو کرد و کسودک در کارنامه حزب خائن به طبقه کارگر توده را از همان نقطه ای تریون شکل خود دنبال نموده و سیر آنسوی تفکر حاکم بر این تشکل اولیها در تمامی سیر فعالیت آینده آن به اشکال گوناگون باز یافت . تنها تفسیری که می توان در این پروسه بر آن داشت گذشت تبدیل شدن تدریجی شور انقلابی اولیه حاکم بر فعالیت ارانی و گروه او در حالهای فعالیت حزب توده به سیر اپورتونیسم بکران و نهایتاً ارتداد کامل این جریان در تحریف نهاد آن است .

تفسیر « حزب حزب توده » در سالهای نخستین جنبش کارگری و تأسیس طلبی و ارتداد آن در سالهای بر تلاطم مبارزه طبقه کارگر ایران در طیف نزدیک به سیر توده گذشته ایران ریشه در همان انحراف آغازین ارانی و گروه او در دوره از شرایط خود بود

روزگار خود و وظائف مردم جنبش کمونیستی ایران دارد .

بگذار در مسائل گوناگون شهادت ارانی ، این انقلابی امسوار و پسرانش با پسرانی که بر نفس و جایگاه او و گروه او می افکند شایع تاریخی فعالیت تریون او را که در دوران حیات عملی خود به در حزب توده هرگز امکان تصحیح نیافت به ارزیابی کشیده راه آینده را از طریق نقد واقعیت آنچه که ارانی بود و تفکر او در سیر انقلابی از خود برجای گذاشت . هوارتر ساریج و همانگونه که بدست طرح برنامه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران هفتاد حرکت خود را از راه راه اولیین حزب کمونیست ایران قرار داده است نام حزب کمونیست و برنامه و اصول حاکم بر حرکت آن را از زیر او نیز حجب می برنمائی و اپورتونیسم و خیانت پیشکی حزب توده بیرون کشیده و روح زندگی حاکم بر برنامه نخستین حزب کمونیست ایران را در حرکت امروز خود تجسم بخشیم و به عنوان پیشینه قدرتمند حرکت تاریخی امروز جنبش کمونیستی ایران در فعالیت عملی و حرکت هدفمند خود زنده نگاهداریم .

حزب دمکرات . . .

را کرده است و یا بهتر است گفته شود حزب دمکرات چه چیزی را می خواهد از زبان این صاحبه اشعه دهد که خود او و همسرش برخی اقدامات عظیم خود آشکارا نمی تواند و پس نمی خواهد از آنها سخن بگوید .

بجز است نضت یکی روی این صاحبه واره بنفائیم تا حکمت نرفته در آن و راز شیفتگی حزب دمکرات به این صاحبه بیشتر و بهتر روشن شود .

نکته اصلی صاحبه مذکور - با حداقل آن قسمت هایی از صاحبه که حزب دمکرات برای بخش از رادیویی خود انتخاب نموده است ، در یک جمله خلاصه می شود و آن این که :

حاکمیت جمهوری اسلامی کلاً تثبیت شده است . البته با یک تبصره شرط نشده : "لا اقل برای مدت نسبتاً قابل ملاحظه ای" امیری که به نظر معتبر صاحب نظر حزب دمکرات :

نبروهای ابر زمین - بخصوص مارکیت های ناخن الخلقه اصلاً توجیهی به آن ندارند . آنهم هنوز هم به تثبیت حاکمیت اقتدار ندارند .

البته لازم به تذکر نیست که صاحب نظر کامل الخلقه و تازه مکشوف حزب دمکرات چیز تازه ای نگفته اند . سابقه اینگونه تزه های شخصمانه ضعلق به صاحب نظران و همالکی های کینه گارتر ایشان از قبیل بنی صدر و دربار مدنی و غیره است که قبل از ایشان افتخار اسلام این تثبیت را به خود اختصاص داده اند و چشم و دل ضادیمان تحولات احتمالی درونی این رژیم تثبیت شده را ضرور فرموده اند و طی ناه های صوطی خطری را که نه تنها رژیم جمهوری اسلامی ، بلکه کلیت بورژوازی ایران را تهدید می کند گوشزد کرده اند و برای این تثبیت برنامسه هم ارائه داده اند .

البته از حق نباید گذشت صاحب نظر حزب دمکرات کردستان نیز تنها به این افادات مغظمه بسنده نکرده است . بلکه این لیبرالی کامل الخلقه نیز ضمن جمله به کمونیستها ، که این روزها بسسه ترجیح بند تمامی جناح های

بورژوازی و پروپاقرص ترین نمایندگان آنها بددل گفته است ، به ارائه راه حل هم پرداخته است و در همین حال جمهوری اسلامی را نه تنها از رهنمودهای راهنمایانه خود بی نصیب نگذاشته است . ایشان می گویند : رژیم جمهوری اسلامی در یک دوره تاریخی نمی توانند دوام بیاورند . . .

(چطور مگر تثبیت نشده است) . . . مگر این که از خر شیطان پیاده شود و از افتخار حکومت الهی شیمه یا مختمات اجتماعی مورد نظرش صرف نظر کند . . .

جمهوری اسلامی اگر مغز خسر نخورده باشد باید هم به حرف ایشان گوش کند و برای بقای یک دوره تاریخی حکومت تنگن خود از خر شیطان پیاده شود . ولی برخلاف میل صاحب نظر حزب دمکرات ، جمهوری اسلامی مثل این که بناگیز این فخر محترم را تساول فرموده اند ، هر چند که صاحب مورد نظر و حرکات و اقدامات پیروان چنین تزهائی حاکی از ناساوری ایشان به این ساله باشد .

با این حساب حزب دمکرات فکر نمی کند در حق بنی صدر و مدنی و آشالیم کم لطفی نموده است که سرامات ایشان را از افتخار بخش از رادیو صدای کردستان محروم ساخته است . مگر آنها چه چیزی کضر از این گفته بودند ؟ مگر بنی صدر از آیت الله خمینیسی تفخوخته بود که با یک کلمه توبه فرماید و همه چیز بر وفق سراد گردد و از خر شیطان پیاده شود ؟ مگر تیمسار مدنی پا را از صاحبه مورد نظر بسیار فراتر نهدا بدو ؟ اگر صاحبه مورد نظر حزب دمکرات فقط رهنمود می دهد که چرا باید از خر شیطان پائین آمد ، دربار مدنی راه و روش پائین آمدن از این خسر را هم که نشان داده بود و در این زمینه آمادگی کامل خود را برای التزام در رکاب دار و دسته های حاکم حتی بمنوان خاک پای حکام الهی و مدنی ضرور آنان از این خر شیطان را نیز از اعلام کرده بود . مگر نقطه عنزمت همه این حضرات همین تثبیت حاکمیت نبوده و نیست ؟

اما باید گفت حزب دمکرات چندان بی گدار هم به آب نمی زند . هاشیمه مورد نظر حزب دمکرات یک فرق حزبی مسلماً نه در ضمن ، بلکه در شکل ارائه دارد . اولاً "صاحبه کننده با چهره چپ (البته با چاشنی فلیظ حمله به

کمونیستها) با سرهنه وسط ماجرا رسیده است و فرق است بین این چهره و آن چهره های مشهور خاص و هام . ثانیاً ایشان یک فرق دیگر نیز با حضرات هم نظر خود دارد و آن هم این است که ایشان مرتب می گویند : رژیم جمهوری اسلامی مرتگنون خواهد شد .

برای آنکه اشتباهی رخ ندهد بلافاصله اضافه می فرمایند : "اما نه به این زودی" . این کار (یعنی مرتگنوسی) زیان و تدارکات می خواهد . و این زمان و تدارکات صلاً احتیاج به خیلی چیزها دارد . درست است دوستان دمکرات !

حتی رژیم جمهوری اسلامی نیز از جرات این مخنگوی غیرصنقیم حزب دمکرات در اعلام تثبیت خود برخوردار نیست . سخنرانی های هیئت سریک خمینی و امتاد و مدارک خطرناک رفتن جانی در مورد فعالیت های زیرزمینی در زوب آهن و سررسیمه در همین اواخر کما و تثبیت حاکمیت و از دستور خارج ساختن مرتگنوسی آن پیدنیال زمان و تدارکات برای مرتگنوسی دردن کجا ؟

حرف صاحب نظر حزب دمکرات کاملاً بجاست چرا که باید اول حکمران را کسید و بعد در مورد فوائد و زوائید آن سخن گفت و زمینه را آماده ساخت برای صحنه بعدی که مارکیز طرار وارد صحنه شود و شر این صار بدجنس را بکشد . مارکیزی که گویا از تمامی فسون صارکه مارگیری آگاه است .

اما اگر تا اینجا صاحبه نقش بازی می کرد و زهنیت ها را آماده می ساخت و نقش صار را می کشید و اندر فوائد و زوائید آن سخن می گفت ، بعد از اتمام این ضحکه باید نقش پاضیری . ایشان ، یعنی مارکیز طرار شروع شود و رژیم جمهوری اسلامی را از خر شیطان پیاده کند و آن را از افتخار حکومت الهی شیمه محروم سازد . از هر طرفی که شده بالاخره راهی باید جست و چرا از طریق مذکور نه ؟ کاری که حزب دمکرات از مدت ها قبل به آن اقدام کرده است هاتگسونه که طبق معمول این مذاکرات است صرفاً برای دست یافتن به فرضی برای تجدید قوا و بدست آوردن زمان و تدارکات لازم .

از صفحه ۲۵

حزب دمکرات . . .

البته نباید از حق گذشت صاحبیه در باب ضرورت های لازم برای اقداماتی از قبیل مذاکرات حزب دمکرات رژیم و اصرار و بافتاری حزب پرروی آن همدارهای لازم را نیز دارد مثل:

• خطر سلطنت طلبیها جدی است
• شمار بختیار رضا را برادر و بیارو نظاهرات ۱۴ میرداد ۱۲ را نباید فراموش کرد
• یادستان نوید که مدتی حتی در کرماسکرم شور انقلابی مردم برای ریاست جمهوری دو میلیون رای داشت
• و قس علیهذا

که انگار حضرات حاکم چیزی کمتر از اسلاف صورت اشاره حضرات صاحب نظر دارند. و یا خطر اصلی سلطنت طلبیها و غیره هستند. اتفاقاً خطرناک ترین این موجودات و جریانات برای جنبش برخلاف افکاره صاحب نظر شریف حزب دمکرات همین بریده ها و لبرالهای صاحب نظیر و همالکی هایشان هستند، که حاضرند شمار بارزه و خود بارزه را با هر چیزی به جز بارزه تمیض نمایند و به تقدیر آن بپردازند.

وقتی که این صاحبیه و حرص و ولع حزب دمکرات به تمرکز و تمجید از این صاحبیه و ضمن این صاحبیه را با اقدامات بعد از پنجم گفته مرکزی حزب دمکرات در تابستان گذشته کنار

چند صباحی فضای تنفسی برای خود پیدا کنند و در طول یک روند چندین و چند ساله به مدافمان ضافع بورژوازی در انقلاب و آرایشگران چهره نظم حاکم تبدیل گشته اند؛ سیر پرشتاب حوادث و رشد و ارتقاء طبقه کارگر این فرصت را از حزب کومه له با زیر گرفته و دوران زوال آن را هرچه نزدیکتر ساخته است و فضای تنفسی او را در همان مصدوده عملکرد خود یعنی جنبش انقلابی خلق کرد نیز هرچه محدودتر نموده است. حزب کومه له با خصمیات ویژه حاکم بر آن به عنوان میراث خوار شکست و احتقار خط ۳ در جنبش کارگری ایران نه تنها طبقه کارگر ایران را به

هم قرار داده و دفاعی پرورگر حزب دمکرات از ادامه مذاکرات خود با رژیم را در شرایط کنونی و با وضعیتی که رژیم دارد به آن اضافه کند، برای هر خواننده ای این سوال مطرح می شود که حزب دمکرات در بخش ایمن صاحبیه چه هدفی را دنبال می کند. این هدف می توانست چیزی غیر از ترغیب جنبشهای لازم برای ادامه مذاکره با رژیم و از دستور خارج ساختن سرنگونی رژیم و پیوستن به داور دسته تثبیت آن باشد؟

صلاً حزب دمکرات می - جهت این صاحبیه را ضمیمه زبان الکن خود در دلش از مذاکرات خود با رژیم و اصرار مکرر بر ادامه آن، نموده است. تا آنجا که این اصرار اخیر منجر به اختلافاتی در ائتلاف بورژوازی فرصتی و در حال تلاش شورای ملی مقاومت و خط و نشان کشیدن های طرفین یعنی میاهدین خلق و حزب دمکرات میخوان دورکن اصلی ایمن ائتلاف روجه زوال نیز گردیده است.

ائتلافی که تمام هستی خود را در گرو سرنگونی حاجل دارو - دسته های حاکم و تمویض آنها با دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی نهاده بود. امری که مدتها دهان حزب دمکرات را نیز آب انداخته بود، و اینک عدم تحقق آن به سایه سرخوردگی و یاس حزب دمکرات تبدیل گشته و او را به دنبال راه و چاره دیگری کشانیده است. راه و چاره ای که صلاً چیزی بیش از اولی نصیب حزب دمکرات نخواهد ساخت.

از صفحه ۱۵

حزب کومله

طایفه حفر طبقاتی کومه له الصاق نخواهد کرد، بلکه عرصه را برای حرکت عظیمی اوچتی در درون جنبش انقلابی خلق کرد نیز هرچه تنگ تر خواهد نمود. امروز دیگر این یک واقعیت روشن و آشکار است که حزب کومه له قبل از همه و در واقع امر حزب بلنشد - پروازی های خضر فرشته خورده بورژوازی دهستانی فعال بر جنبش انقلابی خلق کرد و با رتاب آرزوها و آمال فرو رفته آن است که همچون زنجیر آمرتسی بردست و پای خود او تنیده شده است.

از صفحه ۳۰

یاد فدائی شهید . . .

صارتات توده ها در بهمن ۵۷ از محیط مدرسه آغاز نمود و طی دوران فعالیت تشکیلاتی اش در زمینه های مختلف از خود انرژی صرف ناپدید و قابلیت زیادی نشان داد و با کار خستگی ناپذیر بخش مهمی از بار تشکیلات شهر را بر دوش کشید. هیچ چیز قادر نبود اراده خلل ناپذیر فاطمه را سخت نماید. او بارها مورد ضرب و شتم مزدوران رژیم قرار گرفت. سه بار بخاطر افشاگریهای شجاعانه اش در مدرسه از ادامه تحصیل محروم گشت و چند بار نیز به زندان کشیده شد. با این وجود هر بار پس از آزادی باز هم فداکارانه در صف مقدم بارزه حضور یافته و بر آرزوهای سازمانش اصرار می ورزید.

فاطمه آخرین بار در ادامه بارزه انقلابی در تاریخ ۱۱/۱/۶۳ دستگیر و به مدت ۸ ماه در اسارتگاه رژیم بنیر شکنجه کشیده شد. او بر عهد و پیمان خود با خلق وفادار ماند هرگز لب به سخن نگشود و اسرارش را در سینه محفوظ داشت. فاطمه در برابر هر تدبیر جلادان جواب نه را در برابر شان قرار داد چیزی که هر بار مانند پتکی سنگین بر سر آنان فرود می آمد و هر بار فاطمه با قاضی استوار و روحیه ای مقاوم تر خود را برای تحمل شکنجه های بیشتر آماده می ساخت.

تا اینکه سرانجام مزدوران از شکنجه های مداوم ناکام گشته و فاطمه را محکوم به اعدام کردند. صرگ فاطمه چون امواج یک انفجار بزرگ در بند بند زندان یقین پیچید و پیوارهای بلنشد آنرا به لریزه در آورد چرا که او بعنوان یک فدائی خلق در شرایطی در برابر جوخه آتش قرار گرفت و با عشق صریح به کارگران و زنجیرگان سرب خراب را پذیرا گشت که مزدوران رژیم از لاشه های ضمعن شتی بی مقدار و خائن غریبکهای کوهی ساخته و آنان را بسرای تضعیف روحیه مقاومت در جمع زندانیان سیاسی را ساخته بودند در تلاش بودند که تا فاطمه را چون آن عده به ورطه سقوط سوق دهند. لیکن او با صرک صرخ خود بر قدر قدرتی سوزوران پیروز شد زد و آنان را به زانسو در آورد.

یادش گرامی
خاطره اش جاودان باد!

از صفحه ۱۸

رهبران شوراهای

سازمان و در عمل حسین و هراس
اپورتونیتیست و خائنانه آن راه را
برای تخطئه نیروی این مقاومت و
سازره انقلابی زحمتکشان خلق
ترکمن باز گذاشت و عملاً علیه مردم
تمایل و گرایش قهری توده های
زحمتکش برای مقابله با رژیم
شوراهای در معرض صدمت کوتاهی
دست بسته تسلیم سرجمعین حاکم
گشت و ترور رهبران شوراهای
خلق ترکمن این امر را تسهیل نمود.

اما اگرچه به شوراهای خلق
ترکمن خیانت شد و دفاع از این
شوراهای و احیای مجدد آنها در
شرایطی که بعد از این شکست بر
منطقه حاکم گردید عملاً نتوانست

مادیت عینی پیدا کرد، اما اقصیت
شوراهای و قدرت آنها یعنی از
حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بر
منطقه هرچه بیشتر در پیش
چشمان توده های زحمتکش به
سک زده شد و همچون اسطوره های



جاودانه از دوران رهایی بشریت
از ظلم و جور و فقر و بندبختی
این بار نه بصورت افسانه ای
در دست و روپاشی در عالم تخیلات
ارسانخواهانه زحمتکشان بلکه
بعضیوان تجربه ای عینی و نزدیک
در خاطره توده ها نقش بست. و
قهرمانان این حماسه خونین و
گرانبار به رنهای افسانه های
دهقانان ترکمن صحرا راه یافت و
به چهره های محبوب این
جهان شکست آطل و آرزوهای آنان
سدل گشت.

بگوئیم در حالگرد شهادت
این قهرمانان مبارزان حق طلبانه
خلقبای تحت متم این رهبران از
تجربیات شکوهمند خلق ترکمن در
تجسم بخشیدن به حق تعیین
سرنوشت خود از طریق نهجیان
ارگانهای اقتدار توده های زحمتکش
بیاسوسیم.

بیشترگان برای حفظ به پایگاههای
رژیم هیچ گونه کنشی نمایاند و
پس بر با قدرت و تمهید آنها را
آزاد می نمایند.

لازم به تذکر است که چند روز قبل
از این اقدام مزدوران رژیم
دستهای از پیشمندان فدائیان
ترکمن مسرو و آزادانه بولعصرن -
زور و ترس و ترسهای این پایگاه
اقدام به گسترش داده بازید
مانند و بختی آنها را به تیراکت
نموده بودند و زحمتکشان
روستاهای اطراف آن منطقه اهالی
همین روستا از دستبرد بیشترگان
سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
در منطقه مطلع بودند.

از صفحه ۸

حمایت توده های زحمتکش از

بیشترگان خلق کرد و نلانهای ...

این حسین از زحمتکشان که سینه
همراه آنها آمده اند می پرسند
شما نمی ترسید، آنها نیز در
جواب می گویند نه ما هم مثل شما
و بعد از یک سری سوال و جوابیاتی
در این زمینه و تیراندازی های
بی هدف مزدوران رژیم
زحمتکشان را که حاضر به کشتن بد
آنها شده بودند دستگیر و به
داخل پایگاه سیاه می برند و
سورر آزار و شکنجه قرار می دهند
و از آنها می خواهند که دیگر به

آنها مردم را جمع کرده خود را
بیشترکه سازمان چریکهای فدائیان
خلق ایران معرفی می نمایند
و دوباره حطه به پایگاههای رژیم
با آنها صحبت می کنند و دست آخر
از زحمتکشان این روستا می خواهند
که در حطه به پایگاه سیاه آنها
را برای رسانده و در حمل مهمات
به آنها کمک نمایند. چند نفر از
اهالی روستا نیز قبول کرده
همراه آنها به اطراف پایگاه
سیاه می روند.

مزدوران رژیم بعد از
استقرار در تپه ای بین پایگاه
سیاه و روستای کانی هه ل سووه
شروع به تیراندازی می کنند و در

از صفحه ۲

وضعیت ناشی از درگیریهای

کنونی حکم می کند که سرعلا به
درگیریهای نظامی حزب دمکرات
و کومه له پایان داده شود.
اختلافات دو نیرو در چارچوب
معینی مبتنی بر اهداف انقلابی
خلق کرد و اصول دمکراتیک ناظر
بر آن محصور گردد و راه حل
سیاسی بعضیوان بجای اصلی حل
چنین اختلافاتی پذیرفته شود.
و از هرگونه درگیری نظامی و

تهدیدات غیرمکولانه از سوی
دوطرف جدا خود داری گردد.
این امر نه تنها به نفع جنبش
بلکه به نفع هر کدام از دو نیرو
نیز هست که از تشدید وضعیت
کنونی بپرهیزند و تا فرصت باقی
است از درغلطیدن بسه دام
انتقام کشی ها و شکار نیروهای
یکدیگر اجتناب ورزند.

جا دارد در اینجا یکبار دیگر
به حزب دمکرات گوشزد کرد
در شرایطی که کومه له آماده کنی
خود را برای حل اختلافات مورد

با حزب دمکرات و بررسی مسائل
سرحدت در درگیریهای سیاسی را
از طریق سیاسی نظامی کرد است
دست از سیاست خارج و غیر اصولی
خود برداشته و بر اساس آمارهای خود
را برای پارتیان کردن به بی نهایت
کنونی که مسئولیت آوارگی آن
صفتها به عهده حزب دمکرات
است نظامی نمایند و به مبارزه
خواهت رفته مبارزه سیاسی کنونی
را برای پارتی کشی در از سرگیری
به هر گونه و حسی مورد پس زمینده
مورد داری نگند.

سهرکه و توبی پروتته و هی شورشیگرانه ای که ئی کورد

اخباری از جنبش مقاومت توده‌های

مردوران

مردوران رژیم در جهت اجرای سیاستهای ارتجاعی خویش، گسترش پایگاههای نظامی رژیم در مردوران برای چندمین بار از مردم چند روستا و از جمله "رخان آباد" "بیله" "نخ آبار" و ... می‌خواهند که زمینها و خانه - هایشان را به دولت بفرشند و سند فروش آنها را اضا بنمایند. مردم روستا چون گذشته حاضر به این کار نشده و در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌نمایند.

مردوران که در برابر اعتراض و مقاومت اهالی روستا عاجز و ناگام می‌مانند

دست به حیلۀ دیگری زده و مزدوری را بعنوان نماینده خصی به روستای "بیله" می‌فرستند تا بلکه مردم را در تن دادن به سیاست رژیم ترغیب نماید. نماینده خطاب به اهالی می‌گوید: "امام مرا فرستاده که سند فروش زمینها را اضا نمائید. مردم بی اعتنا به سخنان نماینده مزدور به اعتراض خود ادامه می‌دهند و این تلاش رژیم را نیز بی نتیجه باقی می‌گذارند. لازم به یاد آوری است که مزدوران رژیم قیمت هر ضرع زمین را از قرار ۳۰ تا می تعیین کرده اند.

مردوران

روز ۱۰/۳/۴۱ مزدوران رژیم برای دستگیری جوانان به روستای "نومار" سورش می‌برند. مردم با هشیاری کامل جوانان خود را از دستا خارج می‌نمایند. به محض ورود مزدوران دست به اعتراض جمعی می‌زنند. دستگیری بین زحمتکشان این روستا و عوامل رژیم منجر به تیراندازی از سوی حکومت ایران می‌گردد که در نتیجه تشدید اعتراضات مردم یاسد از آن مجبور به ترک روستا می‌شوند. مزدوران حین بازگشت و نفر از اهالی را دستگیر و با خود می‌برند. مردم تصمیم گیرند که یکبارچه برای آزادی آن نفر جمع شده و به پایگاه می‌روند و در صورت موفق نشدن به ضبر مردان رفته به رفتار مزدوران رژیم اعتراض نمایند

اهالی روستا از پیرو جوان که تعداد آنها به ... نفر می‌رسید به پایگاه مراجعه می‌کنند. مزدوران در اطراف پایگاه متفر شده و قصد ماندن از ورود جمعیت را داشتند که مردم با اصرار و بافتاری به پایگاه می‌روند. فرط خشم پایگاه می‌گوید برای صحبت نماینده ای از خود بفرستید. مردم نماینده خود را برای رسیدگی به خواست نمایندگان انتخاب می‌کنند. نماینده مردم به فرمانده پایگاه می‌گوید باید آن نفر آزاد شوند. مزدوران بعد از ظفر رفتن های زیاد مجبور می‌شوند آنها را آزاد نمایند. سرانجام مردم با اتحاد و یکپارچگی و مقاومت خویش موفق می‌شوند که خواست خود را تحقق بزنند.

مردوران

نمایندۀ سیناه یاسداران پیروان شهر به نام "ملا رسول" به روستای "هنگه وی" می‌رود و از مردم روستا می‌خواهد که علیه پیشمرگان و جنبش خلقی کرد اصلاحه رژیم را بردارند. این خواست نماینده مزدور و مرتجع با اعتراض مردم روستا شده و مردم یکبارچه و ضد بر برابر این سیاست

بوکان

در تاریخ ۱۰/۲/۴۱ یاسداران و جاسهای مزدور با یورش به روستای "ترکاشه" از مردم می‌خواهند علیه پیشمرگان انقلابی مسلح شوند. اهالی زحمتکش روستا نسبت

مزدوران مقاومت و اعتراض می‌کنند و حاضر به چنین کاری نمی‌شوند. اما رژیم دست بردار نبوده دوباره مزدوران خود را برای صلح کردن اخباری مردم به این روستا می‌فرستد که همه را با اعتراض و مقاومت یکبارچه مردم روستا می‌شود و زحمتکشان این روستا قاطعانه و صمیم در مقابل این خواست مزدوران ایستادگی نموده و اقدام مزدوران رژیم را ناگام می‌گذارند.

به این خواست مزدوران اعتراض نموده و با جرو بحث در مقابل خواست آنها مقاومت می‌کنند. حین جرو بحث یکی از مزدوران به سوی مردم تیراندازی میکند که طی این اقدام جنایتکارانه ۳ نفر از اهالی روستا شهید می‌شوند.

از صفحه ۷

دومین اطلاعیه

دستگیری را نه تنها جدی تلقی ننموده بلکه هیچگونه تلافی برای پایان دادن به فضای جنگی موجود با تمامی ابعاد خطرناک آن نشان نداده است. مستحکم است که ادامه این فضای جنگی نه تنها به نفع هیچکدام از دو نیروی درگیر نبوده و نه منتهی به بلات خلق کرد را در شرایط کنونی بیش از پیش تضعیف می‌سازد ...

به هر حال با توجه به آمادگی کامل کوهل برای دستیابی به یک راه حل فوری سیاسی، ما گمان از حزب دمکرات کردستان ایران خواهان سرخویدی جدی با صلح و حرکت در جهت رسیدن به یک راه حل مشخص و سرانجامی برای حل اختلافات حزب دمکرات و کوهل هستیم.

لذا ما وظیفه خود می‌دانیم که در راه رسیدن به هرگونه راه حل سیاسی و صلح برای پایان دادن به این درگیریها بر اساس منافع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و اصول دمکراتیک ناظر بر آن از هیچگونه تلاشی فرودگداری نکرده و از هرگونه اقدام مشترک نیروهای انقلابی در این زمینه پشتیبانی کامل بعمل آوریم.

کمیته کردستان سازمان جبهه‌های فدائیان خلق ایران ۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۳

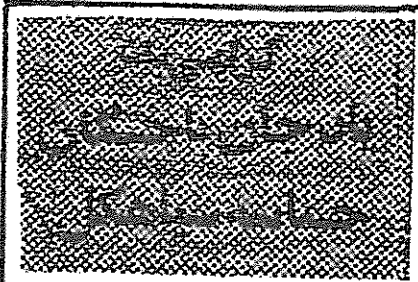
نازدودنی

بنا مبت شصت و یکمین سالگرد درگذشت لنین

همینکه نگهبان آنرا دیده
 رنگ کاری فرستاد
 با یک سطل دوقاب و قلم مو
 و رنگ کار روی آن نوشته خطرناک
 را رنگ زد
 چون او با دوقاب تنها حروف را
 را آهک مالی کرد
 اکنون آن بالا در سلول با خط
 آهکی پدید است:
 زنده باد لنین!
 بر رنگ کار دوم
 هم آن را با قلم مو عرض به
 رنگ آلود چنانچه ماضی دیده
 نمی شد.
 ولی دمام صبح
 چون آهک خشکید، بار دیگر
 نوشته نمودار گردید
 زنده باد لنین!
 آنگاه نگهبان بنای را با



بهنگام جنگ جهانی
 در سلول یک زندان
 ایتالیایی بنام
 "مان کارلو"
 که از سرایزهای زندانی
 ست ها روزها
 انباشته بود، یک سرراز
 سوسیالیست با مداد کبینه
 بر دیوار نگاشت:
 زنده باد لنین!
 (آن بالا در سلول نیمه تاریک
 با خطی بختی ظهور ولی با
 حروف بسیار درشت)



رفقا:

- ★ مهدی امحانی
- ★ جلیل انفرادی
- ★ احمد فرهودی
- ★ اسکندر رحیمی
- ★ هادی فاضلی
- ★ اسماعیل سمینی عراقی
- ★ شعاع الدین شییدی
- ★ هادی بنده خدا انگرودی
- ★ عباس دانش بهمنزادی
- ★ محمد علی حداد قندی
- ★ قزوین حسن بهرور اصل
- ★ هوشنگ نیسری
- ★ ناصر صف دلایل صفائی
- ★ محمد رحیم سماوی
- ★ ورفیق کبیر علی اکبر صفائی
فراهانی

توضیح و تصحیح

با پوزش از خوانندگان در شماره
 ۲۵ رنگی که ل نیز برخاستی
 جا افتادگی ها رخ داده است که
 بدین وسیله تصحیح می گردد:
 در مقاله "بنام حزب علیه
 حزبیت" صفحه اول ستون دوم
 ضن، سطر ۴، نیز همین با شماره
 (۱) شخص شده است ولی نیز
 پایان مقاله آورده نشده است.
 که در زیر آورده می شود:
 ۱- کوه له در این مورد
 بی برنسی خود را بکمال
 می رساند و با چندان ترس شوم
 های تحریف ابتدا بخش اصلی
 نظرات ما را حذف میکند و پس
 از آنکه ضحکه خود را بجان نظرات
 رنگی که ل در ذهن خوانندگان
 خود جا انداخت، برای آنکه
 مع خود را کبر نیاندازد، چند
 صفحه بعد با یک سری سوال
 و جوابهای جهت دار که جز

گواه کردن از همان و در هم
 ریختن اصول نظری ما هندی
 دیگری را دنبال نمی کند دو پارچه
 بختی را که از قلم
 انداخته است از پهلوی وارد
 می کند و ضرافد یکدیگر قرار
 میدهد.
 ما توجه خوانندگان به
 سوسیالیسم را برای آشنایی
 با این بدایع - مودیان که تنها
 از خزانه آموختار بهرورزانی
 می تواند تراوش کند به طالع
 صفحات ۸۶ و ۸۷ سوسی
 سوسیالیسم دوره جدید شماره
 ۱ جلب می کنیم.
 در بخش پایانی مقاله "حزب
 دیکرات و شکل بزرگ آوّه در
 ستون برخی ملاحظات به چاپ
 رسیده است صفحه ۲۱ بین
 سطر ۸ و ۷ عبارت زیر جفا
 افتاده است:
 "نظر سیاسی بلکه از نقطه"

تیشه ای نیز به جنگ نوشته
 فرستاد
 او حرف به حرف را
 تراشید و خراشید
 یک ساعت آرنگار
 چون کارش پایان یافت آنجا
 در بالای سلول
 گریه می رنگ
 ولی زرف در دیوار حک شده
 با خطی نازدودنی
 نمایان شد
 زنده باد لنین
 و سرراز گفت:
 " اینک دیوار را صیران کنید"
 " برشت"

پرخشین مارخشان

حزب دمکرات
و
حکمت
زبان عاریتی!

اخیراً "راستی حزب دمکرات
گوردستان صاحب ای ره بقول خودتر
صاحبه واره ای راهی چند بر نامه
بخش کرده است که صلاً اقدام به
این کار از سوی حزب دمکرات بی-
هدف نبوده و نیست. باید دید
صائل طرح شده در این صاحبه
چگونه و چرا جلب نظر حزب دمکرات
در صفحه ۲۵

بمناسبت ۲۱ ژانویه معاد فیا اول بهمن
شصت و یکمین سالگرد درگذشت ولاد یمرالیچ لنین



یاد لنین

رهبر داهی پرولتاریای جهان

بنیانگذار حزب بلشویک

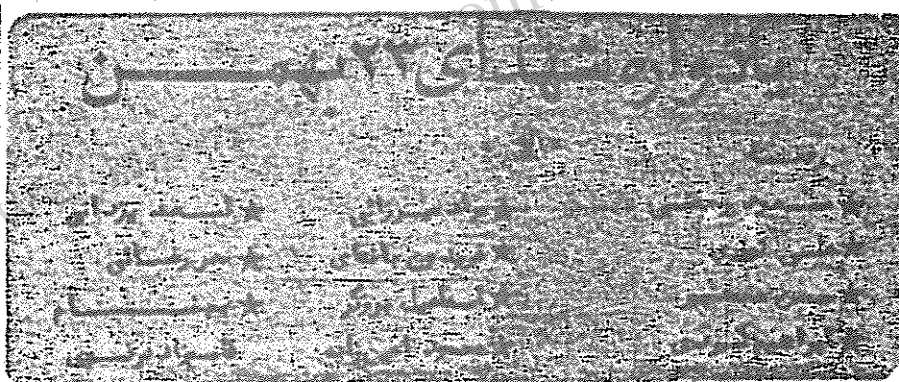
حزب رهبر
نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان
انقلاب کبیر سوسیالیستی کبیر
را با استواری بر آموزشهای او
گرای می داریم!

یاد فدائی شهید

رفیق فاطمه محمدی
گواهی داد!

بهشت و ششم بهمن ماه ۱۳۲۱
با رگبار دوشمنان رژیم سینه
بر رهبر رفیق فاطمه از هم شکافت و
قلب سرخش از تنش باز آهنگار و
بدنه‌شان یکی دیگر از رهبران
راستین راه کمونیم در فلکگاه
سرپایه داران مرتجع پخاک افتاد و
خونش زشقه رهائی کارگران و
زحمتکشان گردید.

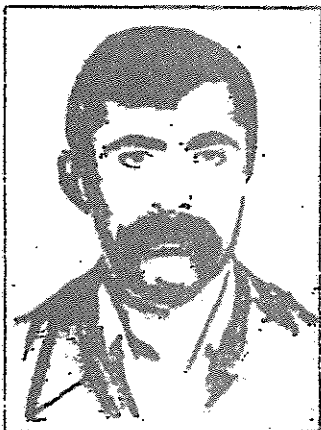
رفیق فاطمه در یک خانواد
زحمتکش در سال ۱۳۳۸ تولد یافت
او یکی از فعالین تشکلات سازمان
در شهر صغیر بود. فاطمه فعالیت
های انقلابی را در جریان
در صفحه ۲۶



فدائی شهید رفیق
مسعود رحمتی

فدائی خلق مسعود رحمتی
فرمانده جهور و دلیر عطیسات
۲۴ بهمن ماه ۶۱ یکی از پرمنل
انقلابی ارتش، یک کمونیست فاطح
و هوکیر و فرمانده نظامی
برجسته ای بود که زندگیش را وقف
رهائی کارگران و زحمتکشان و
خلقهای ایران نمود.

در صفحه ۲۰



صدای فدائی

صج کوتاه ردهفهای

۶۵ و ۷۵ ضر

ملاقات ۸/۵ بمداظهر ۱۲/۵

روزنامه

بمناسبت چهل و ششمین سالروز شهادت

دکتر تقی ارانی

صفحه ۱۶